

هشدار!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد))

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



پیام قدردانی رهبر انقلاب اسلامی از حضور شگفتی آفرین ملت:

آیا حضور ده‌ها میلیونی مردم کافی نیست تا فریب خوردگان به خود آیند؟

دکتر صادق الحسینی:

فرقه گرایی را در میادین

فکری دچار دق فلسفی کنیم

رئیس مجلس شورای اسلامی:

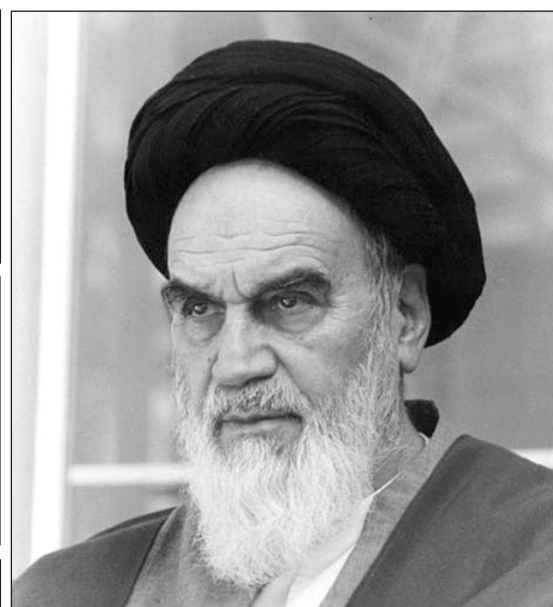
بودجه کشور باید از

درآمدهای نفتی

جدا شود

معرفی کتاب نظریه عمومی شروط

و التزامات در حقوق اسلامی



استاد سید هادی خسروشاهی در مصاحبه با ماهنامه «نسیم بیداری»:

حرکت امام در ابتدا اصلاح طلبانه بود

صفحه ۶

رئیس قوه قضائیه:

فتنه انگیزان به بزرگان حوزه‌های علمیه هم رحم نکردند



رئیس قوه قضائیه با تأکید بر مقابله با اقدام‌های فتنه‌انگیزان در جامعه، گفت: فتنه‌انگیزان حتی به بزرگان حوزه‌های علمیه هم رحم نکردند.

آیت‌الله صادق لاریجانی در جلسه مسئولان عالی قضایی، تأکید کرد.

شهادت مرحوم حاج قلی‌زاده دادستان شهرستان خوی را به محضر مقام معظم رهبری، خانواده داغدار و جامعه قضات کشور تسلیت گفته و حضور چشمگیر مردم و مسئولان در مراسم تشییع جنازه آن مرحوم را نشان‌دهنده عمق وفاداری مردم به نظام و ایجاد تکلیف مضاعف دستگاه قضایی در برخورد جدی‌تر با اشرار و عوامل ناامنی در مناطق مختلف کشور دانست.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و

تحلیل‌های تفرقه‌افکنانه کنند و با برخورداری از حریم امن اقدام به شبهه‌افکنی در جامعه و ترویج واهی دسته‌بندی میان مسئولان نظام کنند.

رئیس قوه قضائیه مسئولان طراز اول کشور را از سرمایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران و یادگاران امام راحل (ره) دانست و تأکید کرد: جریان آشکاری در جامعه قصد فتنه‌انگیزی و ایجاد تفرقه میان مردم و مسئولان کشور دارد و قصد دارند با ترویج برخی دسته‌بندی‌ها آنان را در مقابل نظام و رهبری قرار دهند. فتنه‌انگیزان حتی به بزرگان حوزه علمیه هم رحم نکردند و برخی از شخصیت‌هایی که نه تنها افتخار حوزه‌های علمیه و کشور ایران بلکه افتخار جهان اسلام هستند را مورد تعرض قرار داده‌اند. آیت‌الله لاریجانی ضرورت وجود

بصیرت در بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی را مورد تأکید قرار داده و شبهه‌افکنی‌های اخیر برخی مطبوعات را به نفع دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران دانست و افزود: سازمان بازرسی کل کشور لازم است نظارت خود را در این بخش تقویت کند و نحوه صدور مجوز انتشارات مطبوعات را مورد بازرسی قرار دهد و گزارش کند و دادستان تهران هم باید با تمامی ظرفیت‌های خویش، به مقابله با این تخلفات قانونی برخیزد.

تشریفات قوه قضائیه، رئیس قوه قضائیه با اشاره به ارزش خدمات قضات در کشور بر ضرورت حفاظت و امنیت بیشتر قضات تأکید کرد و اظهار داشت: دشمن گمان می‌کند با ترور قضات می‌تواند در عزم دستگاه قضایی در برخورد با اشرار و عوامل ناامنی اجتماعی و بزهکاران اخلاص و یا تردید ایجاد کند که این خیالی باطل است و دستگاه قضایی با جرایم قاطعانه‌تر برخورد خواهد کرد. آیت‌الله صادق لاریجانی برخورد قانونی با ناهنجاری‌های اجتماعی و رسیدگی قضایی بدون در نظر گرفتن گرایش‌های سیاسی را از سیاست‌های اصولی دستگاه قضایی برشمرد و افزود: همانگونه که از ابتدای تصدی قوه قضائیه بر آن تأکید کرده‌ام برخورد‌های قضایی قاطع با متخلفان و مجرمانی که قصد فتنه‌انگیزی در جامعه را دارند از وظایف ذاتی دستگاه قضایی است و تفاوتی هم در برخورد‌ها وجود نخواهد داشت و ملاک اجرای قانون است.

وی با تقبیح برخی مطالب مطبوعات که سعی در فتنه‌انگیزی و ایجاد شکاف در میان مسئولان نظام دارند، بر ضرورت نظارت بیشتر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرد و اظهار داشت: چگونه برخی افراد به دلیل وابستگی به جریان‌های خاص سیاسی می‌توانند با عناوین مجعول اقدام به چاپ و نشر اخبار کذب و

سید حسن نصرالله:

ما جنگ را

نمی‌خواهیم ولی

به آن مشتاقیم



آیت‌الله تسخیری:

دهه فجر انقلاب

اسلامی، دهه فجر

جهان اسلام است



دکتر محمد مطهری:

نقش رهبری در

کنترل افراطیون

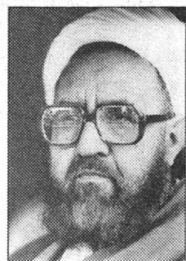
کلیدی است



انتشارات صدرا

مرکز نشر آثار

شهید آیت‌الله مطهری



ضمن تبریک فرا رسیدن دهه فجر و سی‌ویکمین سال پیروزی انقلاب اسلامی به ملت شریف ایران، به اطلاع می‌رساند به میمنت این ایام کلیه آثار آن متفکر شهید و اسلام‌شناس عظیم‌الشان و حاصل عمر و پاره‌تن امام خمینی (ره) تا پایان بهمن‌ماه با تخفیف ویژه ۲۵٪ به شرح ذیل عرضه می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به شعب این انتشارات و یا واریز وجه به حساب سپهر ۰۱۱۳۳۶۵۲۰۰۳ و ارسال تصویر فیش بانکی و نشانی دقیق پستی دوره مذکور را دریافت نمایند.

۱- دوره کامل آثار استاد مطهری، شامل ۸۵ مجلد به قیمت ۱/۲۰۰/۰۰۰ ریال. متقاضیان ارسال با پست مبلغ ۱/۲۸۰/۰۰۰ ریال واریز نمایند.

۲- سررسیدنامه فرهنگی سال ۱۳۸۹ با جملات قصار از استاد شهید مطهری با کیفیت عالی و قیمت مناسب ۲۴/۰۰۰ ریال.

۳- دوره یادداشت‌های استاد مطهری (زرکوب) شامل ۱۱ مجلد به قیمت ۲۷۰/۰۰۰ ریال متقاضیان ارسال با پست مبلغ ۳۱۰/۰۰۰ ریال واریز نمایند.

۴- دوره مجموعه آثار استاد مطهری (زرکوب) شامل ۲۶ مجلد به قیمت ۱/۲۳۰/۰۰۰ ریال. متقاضیان ارسال با پست مبلغ ۱/۳۱۰/۰۰۰ ریال واریز نمایند.

۵- ۳۰۶ ساعت سخنرانی استاد مطهری به صورت مجموعه ده‌تایی لوح فشرده به قیمت ۵۰/۰۰۰ ریال و نیز به صورت یک لوح فشرده DVD به قیمت ۱۵/۰۰۰ ریال.

توجه: کلیه مبالغ فوق مبالغ خالص پس از کسر تخفیف ۲۵٪ می‌باشد. * تهران: ضلع جنوبی خیابان انقلاب، بین خیابان‌های دانشگاه و ابویر یحان، جنب بانک ملی، پلاک ۱۱۶۴ تلفن: ۶۶۴۶۱۰۸۶ و ۶۶۴۶۱۶۴۵

خیابان ناصرخسرو، مقابل دارالفنون، کوچه دکتر مسعود تلفن: ۳۳۹۱۵۱۳۰، دورنگار: ۳۳۱۱۹۷۹۶

* قم: خیابان ارم، تلفن: ۷۷۳۱۵۲۲، دورنگار: ۷۷۴۳۱۴

پست الکترونیک: nashr_sadra@yahoo.com

نقش رهبری در کنترل افراطیون کلیدی است



طرفدار به خود جلب می‌کند؟

آیا این نجبگان، قرآن و روایات در مورد حقوق بشر را از یکطرف و آرای غربیان را از طرف دیگر مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده بودند که حق با غربیهاست؟! تکیه جامعه مدنی روی حقوق مردم است. آیا مکتبی بیش از اسلام به طور مستدل و معقول و متناسب، بر حقوق مردم تکیه کرده است؟ اگر در جوامع غربی حق انتقاد مردم از حکومت را به رسمیت می‌شناسند، امیرالمؤمنین در خطبه ۳۴ بالاترش را می‌گوید یعنی انتقاد از خودش را که معصوم است جزو حق خود بر مردم می‌داند. یعنی اگر مرا نصیحت - که اعم از انتقاد است - نکنید صرفاً این نیست که از این حق استفاده نکرده‌اید بلکه به من جفا کرده‌اید. جالب اینکه حضرت قید می‌آورد که این نصیحت باید هم در خفا و هم در پیش روی مردم انجام گیرد: (أما حقّ علیکم فالوفاء بالبیعة والنصیحة فی المَشْهَد و المعیَب).

بسیاری از کسانی که به آقای خاتمی رأی دادند سرخوردگان از ادبیات برخی مدافعان نظام بودند که از آنها جز نظام، نظام و نظام چیزی نشنیده بودند. در لزوم حمایت تمام قامت از نظام تردیدی نیست اما با این نحو دفاع یکطرفه بسیاری فکر کردند حال که در اسلام حقوق مردم بسیار فرعی است پس برویم از دستاوردهای غرب بهره ببریم! این ادبیات باعث شد نگاه درستی به اهتمام جدی اسلام نسبت به حقوق مردم پیدا نشود و در واقع به همین سادگی اذهان بسیاری از جوانان ما تسخیر شد، البته واضح است که رأی آوردن یک نفر، تک علتی نیست.

اگر دوست نداریم مفاهیم غربی در ذهن‌ها حاکم شود باید برخوردهای تفکیکی و غربالی را جایگزین برخوردهای بولدوزی کنیم. آنچه من می‌گویم ربطی به تساهل و تسامح غربی ندارد. در جای خود باید با قاطعیت رفتار شود اما در نظام اسلامی هیچکس نباید ظلم ببیند. اینکه فکر کنیم صرفاً با تبیین تئوریک اینکه فرهنگ غرب، انسان محور است و فرهنگ اسلامی خدامحور دیگر غرب از تسخیر ذهن جوانان بازمی‌ماند اشتباه است. جوان اول باید حساسیت و التزام عملی گوینده سخن و نیز رسانه منتسب به نظام به انصاف و عدالت درباره همه حتی نسبت به دشمنان را - که یک دستور قرآنی است - بعینه ببیند. آن وقت است که این تبیین‌ها تأثیر خود را می‌گذارد.

امروزه چرا اگر کسی به هر دلیل سیاسی دستگیر شود دیدار با خانواده‌اش ذنب لایعفر و یا لااقل امری جنجال آفرین است؟ آیا به صرف دستگیر شدن پدر، بقیه خانواده باید طرد شوند و کسی به ملاقات آنها نرود؟ آیا این یک روال اسلامی است؟ البته گاهی افرادی این عمل اسلامی

نظام دور می‌کند و من قصدم انجام چنین کاری بود. (چندین مقاله نوعاً انتقادی از رفتار مسئولان را هم که سال گذشته در سایت تابناک منتشر کردم بر اساس همین احساس وظیفه بود و خوشبختانه مورد سوء استفاده جناحی واقع نشد). البته تردیدی نیست که ظلم به نظام که ظلم به دهها میلیون نفری است که برای آن از جان مایه گذاشته‌اند از ظلم به افراد بزرگتر است. ولی این را هم باید توجه داشت که ظلم به نظام نتیجه اش لزوماً قربانی شدن مردم در جنگ نرم نیست چون نظام، دستگاههای تبلیغی و امکانات فراوان برای دفاع از خود و تبیین مسائل در اختیار دارد، اما ظلم به مردم اگر با آن برخورد قانع‌کننده صورت نگیرد نتیجه اش هزاران و گاهی میلیون‌ها قربانی در جنگ نرم و جنگ تسخیر اذهان است.

گاهی دیده‌ایم اگر کسی انتقادی از نظام کند و یا مشکلی با نظام پیدا کند متأسفانه برخلاف فرمان هشت ماده‌ای امام و نیز تأکید رهبر انقلاب بر جذب حداکثری، بنای اولیه بر کمک به او در تبیین حرفش یا تصحیح اشتباهش و نهایتاً جذب او نیست، بلکه یک دفعه از همه جهات مربوط و نامربوط مورد حمله قرار می‌گیرد. گاهی انتقادش تحریف می‌شود، مسائل راست یا دروغ خانوادگی‌اش رسانه‌ای می‌شود، قوای عقلانی‌اش زیر سؤال می‌رود، پرونده‌های راست و دروغ او از پیش از انعقاد نطقه تا امروز افشا می‌شود و همسویی و بلکه ارتباطش با اسرائیل اثبات می‌شود. این نوع برخورد یک خدمت مجانی برای مشتری جمع کردن برای امثال بی‌بی سی است.

این روش گذشته از غیر اخلاقی و غیر اسلامی بودنش چند ایراد مهم دارد: اول آنکه دیگر حتی آن بخش از انتقاد که به آن فرد واقعاً وارد است هم در مخاطب مردد تأثیری نمی‌کند. دوم آنکه این تلقی پیدا می‌شود که عجب، اگر این آقای مخالف یا منتقد اینهمه پرونده دارد چطور ایشان تا با نظام بود هیچ مشکلی نداشت و اکنون اینهمه پرونده ریز و درشتش رو شد. پس با نظام باش هرچه خواهی کن! پس نکنند همه‌شان پرونده دارند! سوم اینکه طرف را به عناد می‌کشاند تا آنجا که حاضر می‌شود از روی لجاجت کاری کند که بر اساس چند ادعای نامعلوم و ناحق، نام جمهوری اسلامی - که خودش هم برای تحقق آن رنج دیده - تا ده‌ها سال در نزد صدها میلیون انسان در جهان تداوی‌کننده تجاوز جنسی به مخالفان سیاسی باشد. البته تأکید می‌کنم که منظور از این تحلیل این نیست که چون با کسی تند برخورد کرده و او را به سرلج آورده‌اند پس کارهایی که او در مقابل انجام داده توجیه بردار و یا جبران‌پذیر است و یا از نظر قانونی نباید تعقیب شود.

در مورد قربانیان جنگ نرم لطفاً توضیح بیشتری بدهید؟

بہتر است با مثال دیگری توضیح دهم. اسلامی که امام و علامه طباطبایی و شهید مطهری و دیگر بزرگان در ترویج آن کوشیدند شاه بیش این بود که این دین به خوبی توانایی اداره جامعه را دارد. چه می‌شود که در سال ۷۶ یعنی هجده سال پس از پیروزی انقلاب، اکثر مردم و مخصوصاً نجبگان نه یکبار، بلکه دو بار به کسی رأی می‌دهند که بیت‌الغزل کلامش "جامعه مدنی" یعنی یک مفهوم غربی است. البته گوینده را متهم نمی‌کنم که به دنبال برقراری نظام سکولار بوده است سخن در این است که چرا در آن زمان یک واژه غربی اینقدر

روش درستی است ولی موانع اجرای آن این است و در صدد رفعش باشیم. ذهنها از جهت این دو مقایسه همیشه باید قانع باشند تا پیوند میان نظام و مردم حفظ شود.

البته برخی ممکن است بگویند هیچگاه نباید از هیچ امر مربوط به بیگانگان به ویژه غربیها حتی نحوه رانندگی آنها تعریف کرد. این همان روش کنونی صدا و سیماست که باعث می‌شود جوان امروزی به نقدهای درست صدا و سیما نسبت به غرب هم تمایلی نشان ندهد. چنانکه چند شب پیش دیدیم امام(ره) که نماد ایستادگی در برابر غرب است در سخنرانی خود از رفتار کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا در ترجیح منافع ملی بر منافع خود تمجید کردند. اثبات بی‌پایگی مبانی فکری غرب یک مطلب است و انصاف در بیان نکات منفی و مثبت غرب و انسان غربی مطلبی دیگر. امیرالمومنین (ع) ابایی نداشتند که از ایستادگی و همت برخی سربازان معاویه تمجید کنند و حتی آن را به رخ برخی یاران خود بکشند. همچنین قرآن در کنار آنهمه انتقادهای بسیار شدید از مسیحیت تحریف شده و مسیحیان، از امانتداری برخی مسیحیان تجلیل می‌کند. این امر که از خودمان و نظام صرفاً باید تجلیل و از مخالف فقط باید انتقاد کرد معلوم نیست از کجا آمده است.

اجازه دهید در مورد مسائل اخیر هم صحبت کنیم.

شما در مردادماه مقاله‌ای نوشتید در مورد مسأله کهریزک که انعکاس وسیعی پیدا کرد. انگیزه شما از نوشتن آن مقاله و بازتاب‌هایش چه بود؟ چرا بعد از آن مدت زیادی سکوت کردید؟ جنگ نرم جنگ تسخیر اذهان است و هیچ چیزی مانند ظلم، مردم را از نظام و انقلاب و امام و رهبری و روحانیت دور نمی‌کند و به تعبیری تعداد قربانیان جنگ نرم با نحوه اجرای عدالت به ویژه در امور سیاسی رابطه مستقیم دارد. به عنوان یک روحانی و نیز فرزند یکی از شهدا وظیفه خود دانستم که نسبت به برخی بدرفتاریها که نهایتاً به نام اسلام تمام می‌شود روشنگری کنم. وقتی این نقد از طرف نیروهای درون انقلاب صورت گیرد گرچه ممکن است برخی برادران و خواهران را ناراحت کند اما بسیاری از افرادی را که به خاطر این کارها در اساس نظام شک می‌کنند به دامان انقلاب برمی‌گرداند.

البته وقتی دیدم از این اعتراض غیرجناحی سوء استفاده جناحی صورت گرفت شخصاً تصمیم گرفتم به نقدهایم ادامه ندهم. چنانکه از مقاله من پیدا بود اعتراض من ربطی به بلوای انتخاباتی نداشت. (من اساساً حرف زدن برای خوش آمدن یک جناح را نوعی شرک می‌دانم). در سال گذشته هم به اینکه پرونده مرگ یک خانم پزشک در همدان - که یک پرونده کاملاً غیرسیاسی بود - به ناکجا آباد انجامید دوبار صریحاً اعتراض کرده بودم.

بهترین شیوه طرفداری از نظام در جهت استحکام روز افزون آن، از نظر شما چه ویژگی‌هایی دارد؟

آنچه باید بدان توجه کرد این است که طرفداری از نظام دو گونه است: روش تعریف و تمجید صرف، که نوعاً نان و آب دار هم هست. در این زمینه به قول طلاب من به الکفایه وجود دارد و من نه این روش را بلدم و نه به آن تمایلی دارم. روش دوم، طرفداری عملی یا پاسداری از نظام با هشدار نسبت به اموری است که مردم را از

خبرگزاری مهر، درآستانه دهه مبارک فجر با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مطهری فرزند استاد شهید مطهری به گفتگو نشست تا نظر وی را در گفتگویی صریح پیرامون مسائل روز جویا شود.

این فرزند گرامی شهید مرتضی مطهری همچون پدر بزرگوارش به یادگیری علوم دینی پرداخت.

محمد هنگام شهادت پدر سیزده ساله بود. پس از دیلم در سال ۱۳۶۳ درس‌های حوزوی را به طور جدی آغاز کرد و در سال ۱۳۷۳ به کسوت روحانیت درآمد. او علاوه بر تحصیلات حوزوی، دارای مدرک مهندسی برق از دانشگاه شریف، کارشناسی ارشد فلسفه از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دکترای فلسفه دین از دانشگاه تورنتو کانادا است. مطهری هم اکنون عضو هیأت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در قم است.

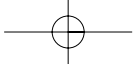
حاصل گفتگوی تفصیلی با فرزند علامه شهید استاد مرتضی مطهری در پی می‌آید:

از نگاه شما و پس از سپری شدن ۳ دهه از انقلاب اسلامی، در معرفی انقلاب و اساساً نظام اسلامی به نسل جوان چه نکاتی باید مد نظر قرار گیرد؟

دکتر محمد مطهری: به نظر من عظمت این انقلاب و اینکه ملت ما تحت رهبری امام چه کار بزرگی انجام داد نه تنها برای نسل جوان بلکه حتی برای نسلی که خودش انقلاب کرد چنانکه باید شناخته نشده است. نباید فراموش کرد که امروز بیش از هر زمان انقلاب تحت بمباران تبلیغاتی است. بنابراین باید در جوان امروز اعتماد لازم را نسبت به تحلیلهای درست از دستاوردهای انقلاب ایجاد کرد. این اعتماد ایجاد شدنی و یا حفظ شدنی نیست مگر اینکه در کنار تأکید بر دستاوردهای کم نظیر و گاهی بی‌نظیر، به کاستی‌ها هم اشاره شود. سیاه‌نمایی یا س آفرین است و سفید‌نمایی اعتمادسوز. تنها راه مؤثر واقع‌نمایی است. این یکی از نکاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

از نگاه شما؛ برای استحکام بخشیدن به پیوند میان مردم و نظام اسلامی چه باید کرد؟

ببینید، نظام ما مردم سالاری دینی است. این باعث می‌شود مردم به ویژه نسل جوان همیشه دو نوع مقایسه را خود به خود انجام دهند که اولی از نوع معیار است و دومی از نوع چالش. اول اینکه هر کس عملکرد نظام را با معلوماتی که از اسلام دارد - ولو صرفاً در حد داستان راستان - مقایسه می‌کند. نباید بگذاریم از این جهت ابهامی ایجاد شود. اگر عیبی هست بگوییم که چرا موفق به رفع آن نشده‌ایم و چه برنامه‌ای برای آن داریم. مقایسه دومی که جوان امروز دائماً انجام می‌دهد با غرب است. حتی اگر کسی فقط اخبار صدا و سیما را ببیند اطلاعاتی درباره غرب به دست می‌آورد. بسیاری مسائل در غرب هست مانند بی‌بندوباری و... که ذهن سلیم، قانع است که چرا در جامعه اسلامی مجاز نیست. اما در غرب مثلاً متخلفان بزرگ مالی یا غیر مالی، دولتی یا غیر دولتی همیشه از رسوا شدن در رسانه ترس دارند در حالی که در کشور ما چنین نیست و گاهی حتی پست جدید هم به یک متخلف می‌دهیم. در اینجا دو راه بیشتر نداریم: یا باید مردم را قانع کنیم که به فلان دلیل عقلی یا دینی، این روش در غرب غلط است و لذا در کشور ما اجرا نمی‌شود و یا باید بگوییم این



امیدوارم چنین نباشد ولی به هر حال ممکن است دشمنان خوابهایی برای این روز دیده باشند. مسئله این است که این اکثریت عظیم در مقابل سناریوهای مختلف باید چه کنند؟ عکس العملی نشان ندهند؟ شعار را با شعار جواب دهند؟ کار را به نیروی انتظامی محول کرده محل را ترک کنند؟ با موج جمعیت آنان را برانند؟ با صمیمانه‌ترین برخورد ممکن سعی در جذبشان کنند؟ به نظر من باید در همین فرصت باقیمانده به خیل عظیم مردم لاقل در تهران آموزش داده شود که چگونه رفتار کنند. اگر به سلایق واگذار شود و یکی با تندی و دیگری با برخورد فیزیکی و... وارد شوند ناخواسته به اهداف دشمنان کمک می‌شود. به نظر می‌رسد توصیه اخیر فرمانده سپاه تهران مبنی بر اینکه راهپیمایان نسبت به یکدیگر تحمل از خود نشان دهند، توصیه‌ای مدبرانه در همین راستاست.

روشن است که منتقد منطقی هرگز شعار ساختارشکن نمی‌دهد. گر چه مراد معلوم است اما من با تعبیر "ساختارشکن" موافق نیستم زیرا نوعی بزرگ کردن دشمن است. البته دشمن قصدش ساختارشکنی است اما "ساختار" انقلاب و نظامی که در دل میلیون‌ها عاشق جان برکف، ریشه دارد با شعارهای یک عده خاص و معلوم الحال "شکسته" نمی‌شود. دشمن وقتی مثلا خمپاره رها می‌کند یکی از اهدافش شکستن روحیه است اما نباید خمپاره‌اش را "روحیه شکن" نامید. آن شعارها شعار ضد نظام و ضد ساختار است نه ساختارشکن. تعبیر ساختارشکن، نوعی بزرگ نشان دادن تلاش مذبوحانه دشمنان اساس انقلاب و نظام را در خود دارد.

یکی از عواملی که بسیاری از افراد مخصوصا در این روزها از مصاحبه پرهیز دارند این است که متأسفانه اکثر رسانه‌ها فقط بخشی را که مطابق اهداف جناحی‌شان است نقل می‌کنند و طبیعی است یک فرد غیرجناحی دوست ندارد که به نفع یک جناح مصادره شود. انصاف در نقلها فضا را آرام می‌کند. امیدوارم اگر رسانه‌هایی قصد پرداختن به این مصاحبه را دارند به خلاصه‌ای از همه نکات اصلی - که ان شاء الله برادران خبرگزاری مهر زحمت تهیه آن را می‌کشند- فارغ از گرایشهای سیاسی خود اشاره کنند.

این را هم باید اضافه کنم که گاهی اگر بصیرت نیست نباید همیشه همه علت را در درون خواص جستجو کرد. بصیرت همیشه سفارش کردنی نیست، ساختنی است زیرا بعضا این عملکردهاست که تشخیص‌ها را عوض می‌کند. (مرحوم دکتر آیتی در کتاب "بررسی تاریخ عاشورا" دربارهٔ اینکه چطور تشخیص یک انسان عوض می‌شود بحث خوبی دارد.)

تکلیف افراطیون ضد انقلاب و مخالف روشن است. اما بر اساس دسته بندی شما، چرا برخی با شعار دفاع از انقلاب و ولایت، دست به اعمال افراطی می‌زنند؟

البته بسیاری با حسن نیت چنین می‌کنند. اما

چرا از رسیدگی به حادثه‌ای که دل رهبری را خون کرد (حمله به کوی دانشگاه) خبری نشد؟ چرا برخی دستگیری‌ها ساعت ۲ نیمه شب صورت می‌گیرد؟ مگر متهم مسلح بوده یا عملیات فتح‌المبین است که از اصل غافلگیری یا کلافه کردن طرف مقابل بهره گرفته شود؟

یک دلیل این است که ما "اخلاق دفاع از نظام" را تبیین نکرده‌ایم. برخی افراد مخلص و آماده جان دادن برای نظام، بعضا نمی‌دانند کجا جای قاطعیت و کجا جای محبت است. فکر می‌کنند همیشه هر چه شدیدتر برخورد کنند به صواب نزدیکتر و موثرتر است. مثلا اگر عمامه کسی را پرت کرده و یا یقه پیراهنش را پاره کنند او را خنثی کرده‌اند در حالی که این کار بهترین و موثرترین راه ترویج افکار اوست و تعداد مخاطبانش را ده‌ها و شاید صدها برابر می‌کند و چون مظلومیت هم به همراه دارد تأثیر گذارتر هم می‌شود، درست خلاف مقصودی که در کار بوده است. البته قاطعیت قانونی در جای خود لازم است.

مهر: در آستانه ۲۲ بهمن قرار داریم. برای اتحاد بیشتر میان مردم و برگزاری باشکوه‌تر راهپیمایی چه پیشنهادی دارید؟

دکتر محمد مطهری: این روز متعلق به همه است و نباید در خدمت مطامع افراط گرایان از هر دو طرف قرار گیرد. به نظر می‌رسد لازم باشد همه دوستداران انقلاب - ولو بعضا به اموری معترض باشند- رویه واحدی داشته باشند.

صبح که او مدرسه است ببرند نیمه شب می‌برند کدورتش نسبت به نظام به این سادگی برطرف نمی‌شود و از طرف دیگر پخش خبر ساعت دستگیری هم خودش موجب تشویش اذهان علیه نظام و اضافه کردن بر قربانیان جنگ نرم است. به بیان دیگر آن برادر ناشناخته خودش دارد ترویج سکولاریسم می‌کند و نمی‌داند. اگر خواص در کنار حمایت از نظام نتوانند انتقاد کنند اساساً حمایتشان تأثیری ندارد و چون این نقدها فوراً با تخریب مواجه می‌شود ترجیح می‌دهند وارد میدان نشوند.

من به صراحت می‌گویم که بدون تبعیت از رهبر انقلاب نمی‌توان انقلاب را از گردنه‌ها عبور

داد. اما شما ببینید افراطیون به خاطر همین چند انتقاد با همین مصاحبه چگونه برخورد می‌کنند. آن وقت خواهید فهمید خواص چرا ساکتند. (البته به نظربنده تعریف خواص باید دقیق‌تر مطرح شود و من خود را جزو خواص نمی‌دانم). اگر هتاکان کنترل شوند خواص به سخن می‌آیند.

نقش رهبری در جلوگیری از افراطیون دو طرف کلیدی بوده و هست. یکی جریان ضد انقلاب که کمر به نابودی انقلاب بسته و دیگر جریانی که برای جان مردم به اندازه جان پشه هم بهایی قائل نیست و فقط نظام نظام می‌کند و شاید کشته شدن سه نفر به جای صد نفر در کهریزک را مظہری از رأفت نظام می‌داند! باز همین که این افراد افراطی، خود رهبر معظم انقلاب را در خط رهبری می‌دانند باید خدا را شاکر بود!!

آیا عدم ایفای نقش صریح از سوی برخی خواص، ناشی از عدم بصیرت آنها نیست؟

این بستگی دارد به اینکه کدام خواص مورد نظر باشند. عدم مشارکت خواص تک علتی نیست. گاهی مسئله نداشتن بصیرت است ولی در بیشتر موارد مانع اصلی عکس‌العمل هتاکان است.

را با اغراض سیاسی انجام می‌دهند اما اگر از همه جناحها به دیدار این خانواده‌ها بروند لاقل امید این می‌رود که فرزندان آن زندانی با انقلاب مشکل کمتری پیدا کنند.

از سران معترضان و امثال آنان که بگذریم، به نظر شما چرا برخی خواص که باید موضع روشن تری در دفاع از نظام و رهبری انقلاب داشته باشند امروز سکوت می‌کنند؟

یک دلیل مهم آن به عقیده من فراهم نبودن زمینه است. تبیین مسائل برای کسانی که صد در صد دلبسته نظام و رهبر بزرگوار انقلاب هستند نیاز چندانی به خواص ندارد. نیاز به تبیین خواص عمدتا در مورد کسانی ضرورت می‌یابد که به هر دلیل شبهاتی دارند. اما سؤال این است که چه نوع خواص یا نخبگانی می‌توانند بر این قشر از جامعه تأثیر گذار باشند؟ به نظر من این وظیفه فقط از عهده کسانی برمی‌آید که عدالت در کلامشان موج بزند و ضمن دفاع از نظام، انتقادات و نظرات خود را هم بتوانند مطرح کنند (همان چیزی که رهبری اشاره کردند.). متأسفانه برخی بخشهای خبری صدا و سیما و نیز برخی مطبوعات چنین تحملي ندارند. به محض اینکه این خواص به سخن درآیند آماج حمله قرار می‌گیرند که چرا جمله بیست و هفتم شما شبیه جمله دوازدهم رادیو اسرائیل بود و بنابراین بی‌بصیرت و احیانا پیاده نظام دشمن هستید.

به نظر من دفاع کسی از نظام و رهبر انقلاب در قشر مردم منشأ اثر است که بتواند در کنار حمایت مثلا انتقاد کند که چرا با متهم اصلی کهریزک برخوردی صورت نمی‌گیرد؟ چرا از رسیدگی به حادثه‌ای که دل رهبری را خون کرد (حمله به کوی دانشگاه) خبری نشد؟ چرا برخی دستگیریها در ساعت ۲ نیمه شب صورت می‌گیرد؟ مگر متهم مسلح بوده یا عملیات فتح المبین است که از اصل غافلگیری و کلافه کردن طرف مقابل بهره گرفته می‌شود؟ آن برادر ناشناخته‌ای که برای اینکه طرف را بشکند و کار بازجویی و اعتراف را آسان کند چنین تصمیمی می‌گیرد و به گمان خودش توطئه دشمن را خنثی می‌کند در واقع سربازانی برای جنگ نرم به دشمن هدیه می‌کند زیرا دختر ده ساله‌ای که ببیند پدرش را که می‌توانستند با یک تلفن احضار کنند یا لاقل

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی درگذشت حجت‌الاسلام فاکر

ارزشمندی در محاسبات الهی و نیز در یادنیک مردم قدرشناس از این روحانی بزرگوار است. ان‌شاءالله از خداوند متعال علوّ درجات ایشان را مسألت می‌نمایم.

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت روحانی مجاهد جناب حجت‌الاسلام آقای فاکر را به خانواده‌ی گرامی و بازماندگان محترم و همکاران و دوستان ایشان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت روحانی مجاهد حجت‌الاسلام آقای فاکر را تسلیت گفتند. متن پیام به این شرح است:

بودجه پیشنهادی دولت برای حوزه‌های علمیه و مراکز تحقیقاتی قم

دولت همچنین در بخش دستگاه‌های اصلی کشور که به نحوی از بودجه عمومی کشور ارتزاق می‌کنند، نیز کمک قابل توجهی را به دستگاه‌های اصلی مرتبط با مراکز فرهنگی - دینی اختصاص داده است که از این میان می‌توان به افزایش بودجه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم اشاره کرد.

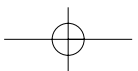
همچنین دولت بودجه شورای عالی حوزه علمیه قم را در لایحه بودجه سال آینده ۱۶ درصد رشد داده‌است ضمن اینکه مرکز خدمات حوزه علمیه قم و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) را در ردیف دستگاه‌های اصلی بودجه ۸۹ قرار داده است. بودجه سازمان تبلیغات اسلامی نیز در لایحه بودجه ۱۳۸۹ کل کشور با ۷۳ درصد رشدی مواجه است.

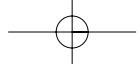
حوزه علمیه امام حسین (ع)، دانشگاه باقرالعلوم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، موسسه فرهنگی دعبل، موسسه رواق حکمت و دانشکده اصول دین علامه عسگری اختصاص یابد.

کمک به تکمیل مجموعه فرهنگی آستان مقدس حضرت امام (ره) و آستان احمدبن موسی و نیز کمک به موسساتی نظیر دانشگاه امام صادق(ع)، کتابخانه آیت الله مرعشی، مجمع عالی حکمت اسلامی، فرهنگستان علوم اسلامی، موسسه ترجمان وحی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، حوزه علمیه امام خمینی(ره)، بنیاد حکمت‌صدرا، موسسه علوم و معارف اسلامی نور، جامعه الزهرا و موسسات پرتو ثقلین، مصباح الهدی، سفینه النجاه از دیگر بخش های لایحه بودجه ۱۳۸۹ کل کشور است.

آمار نشان می‌دهد، کمک دولت به موسسات دینی و فرهنگی در سال جاری برابر ۹۰۹ میلیارد و ۸۵ میلیون ریال است که این رقم نسبت به بودجه ۷۰۹ میلیاردریالی اختصاص یافته در سال جاری با ۲۸درصد رشد روبه روست.

قرار است این کمک‌ها به بنیاد دایره المعارف اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، مرکز رسیدگی به امور مساجد، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، مدرسه عالی شهید مطهری، ستاد اقامه نماز، پژوهشکده باقرالعلوم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، موسسه دایره المعارف فقه شیعه، شهرک مهدیه قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، موسسه شیعه شناسی، موسسه اسراء، دانشگاه مفید، مرکز علمی شهید مطهری،





آیت الله تسخیری:

دهه فجر انقلاب اسلامی، دهه فجر جهان اسلام است

است. او تاکید کرد: البته شرط برگزاری اینگونه همایش‌ها و گفتمان‌های علمی - مذهبی این است که علمای هم‌طراز در کنار یکدیگر قرار گیرند و در فضایی صمیمی به گفتمان بپردازند. وی گفت: استکبار جهانی و حکومت‌های مزدور سعی و تلاش در ایجاد تفرقه بین امت اسلام را دارند. او افزود: با برگزاری اینگونه همایش‌ها باید تلاش کرد نقاط ضعف اسلام پوشش داده شود زیرا کفر در تفرقه نهفته است و ایمان در حقیقت و باید همه سعی کنیم حقیقت بیان شود. تسخیری گفت: همانطور که مقام معظم رهبری بارها فرموده‌اند بصیرت کلید حل مشکلات است. به گزارش ایرنا، بیست و یکمین همایش بین‌المللی علمی - تحقیقی مذاهب اسلامی به همت دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان به مدت چهار روز در چابهار برگزار شده

اسلامی اظهارداشت: ناسیونالیست‌ها، لیبرالیست‌ها، کمونیست‌ها همراه با سایر گروه‌های ضد انقلاب همگی جمع شدند تا با هتک حرمت در روز عاشورا به انقلاب ضربه بزنند اما کورخوانده‌اند زیرا پاسخ خود را از ملت ایران دریافت کردند. وی تاکید کرد: مطمئن هستیم در جنگ نرم استکبار علیه انقلاب اسلامی ما پیروز هستیم زیرا ما ندای حق و قرآن را داریم. دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی سوء تفاهم بین برخی پیروان مذاهب را بزرگترین مانع تحقق تقریب مذاهب عنوان کرد و گفت: گاهی بعضی علما همانند عوام برخورد می‌کنند و شایعاتی که می‌شنوند را مصداق عمل قرار می‌دهند که همین موضوع زمینه ساز سوء تفاهم و تفرقه می‌شود. تسخیری با اشاره به دستاوردهای بزرگ همایش علمی - تحقیقی مذاهب اسلامی در چابهار افزود: یکی از برکات برگزاری اینگونه همایش‌ها تقویت وحدت بین علمای اهل شیعه و اهل سنت نه تنها در ایران بلکه در جهان اسلام

،افزود: نظام جمهوری اسلامی ایران بیداری را در جهان اسلام احیا کرد و گسترش داد. تسخیری اظهارداشت: امروز قوی‌ترین پدیده در جهان اسلام، بیداری، بصیرت و آگاهی است. وی با بیان اینکه بیداری امیدوارترین صفت در دین اسلام است، گفت: دشمن از بیداری مسلمانان بسیار وحشت دارد. دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی همچنین با اشاره به برخی حوادث پس از انتخابات گفت: نمی‌دانم سران فتنه آیا متوجه هستند که تیشه به ریشه خود می‌زنند؟ او اضافه کرد: استکبار قصد دارد انقلاب اسلامی را از داخل منجر کند و باید دید آیا سران فتنه این را نمی‌دانند؟ وی اضافه کرد: در فتنه اخیر در ایران سران غرب شخصا وارد حوزه شدند و همه رسانه‌ها تمام قدرتهایشان را به کار گرفتند تا جمهوری اسلامی ایران را سرنگون و ندای حق را خفه کنند. دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب



چابهار- آیت الله محمدعلی تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: دهه فجر انقلاب اسلامی ایران دهه درواقع فجر جهان اسلام است زیرا انقلاب اسلامی امید را دوباره در دل مسلمانان جهان زنده کرد. به گزارش ایرنا، آیت الله تسخیری در مراسم افتتاحیه بیست و یکمین همایش علمی - تحقیقی مذاهب اسلامی در تالار وحدت دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار با تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

دکتر صادق الحسینی:

فرقه‌گرایی را در میادین فکری دچار دق فلسفی کنیم

چیست؟ در احادیث و روایات مربوط به ظهور حضرت حجت(عج) داریم که در آن زمان مسیح(ع) و بقیه انبیا هم می‌آیند و با ورود به این معرکه، به آن تفکر واحد و کامل که همه اشتراکات را دربرمی‌گیرد، ملحق می‌شوند و همه دوباره یکی می‌شوند. تردیدی نیست که حضرت حجت(عج) همه را حول محور اشتراکات جمع می‌کنند. اما فرقه‌گرایی یعنی تعصب نسبت به طرز تفکر خود در مقابل دیگران؛ به این معنی که صرفا من راه درست را پیدا کرده‌ام و دیگران کافرنده و خارج از محدوده کلمه توحید و دین مبین یا تدین واقعی تعریف می‌شوند، لذا فرقه‌گرایی یک نوع تفکر تکفیری است و حتی قبل از تکفیری بودن نیز یک اشکال عمده دارد و آن اینکه ما را به سمت بحث فرقه ناجیه می‌برد و اعلام می‌دارد که من فرقه ناجیه هستم و بقیه مذاهب انسان را به سمت آتش جهنم سوق می‌دهند. این جریان، با اتکاء به حدیثی از رسول اکرم(ص) است که چنین سخنی را ابراز می‌دارند؛ حال آنکه رسول خدا(ص) منظورشان از فرقه ناجیه، این نیست که یک فرقه صرفا راه نجات باشد، بلکه این حدیث متضمن این مضمون است که یک نوع تفکری در دنیا به وجود خواهد آمد که ما را به بهشت می‌رساند. این تفکر بی‌شک از انحصارگرایی به وجود نخواهد آمد بلکه حاصل همگرایی مذاهب اسلامی خواهد بود. در واقع تفکر و متدلورژی یا نوع برخورد فرقه‌گرایانه با پدیده‌ها، بسیار خطرناک است. امام شافعی می‌فرمایند که نظر من درست است اما امکان خطایش هم وجود دارد، نظر خصم خود را نیز غلط می‌دانم اما امکان درست بودنش هم هست؛ اما فرقه‌گرایی طرز تفکر خطرناکی است که جامعه را به دو دسته و بیشتر تقسیم می‌کند و به سمت نزاع و کشمکش

چارچوب کلمه توحید تکمیل کنند؛ چراکه همه چیز نزد همه کس است. نکته دیگر این که، طبق آیه شریفه "ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون"؛ اساس خلقت برای عبادت خداوند است. می‌بینیم که افلاک و اجزای آن با آنکه همگی در تسبیح خداوند سبحان هستند ولی تنوع بسیار دارند و هرگز یک شکل، یک شیوه و یک مکانیزم واحد برای تمام حالات آنها نبوده است. واضح‌ترین مثال برای این امر، حرکت شب و روز است و تحول دریاها به خشکی و خشکی‌ها به دریا و تحول فصول. خداوند متعال طبق آیات صریحی که بر پیامبر اکرم(ص) نازل کرده است، می‌فرماید که آن بقول له کن فیکون" یعنی اگر خداوند اراده نماید می‌تواند همه چیز را کن فیکون" کند ولی خداوند متعال از این توانایی خود استفاده نمی‌کند و همواره این جمله را به کار نمی‌برد؛ بلکه می‌فرماید کل یوم هو فی شأن". در واقع خداوند برای انسان به عنوان خلیفه خود بر روی زمین، اختیار قرار داده است. مایکی از مظاهر خداوند بر روی زمین هستیم. تنوعی را که باید از آن دفاع کنیم یک تنوع ذهنی و رغبت دوست داشتنی شخصی نیست؛ بلکه دفاع از این تنوع در چارچوب کلمه توحید یک نوع اطاعت از امر الهی است. ما بر اساس وظایف قرآنی وظیفه داریم از این تنوع دفاع کنیم. حضرت امام خمینی(ره) بارها در سخنان خود این ضرب‌المثل را به کار می‌بردند که سه نفر با سه زبان مختلف یک چیز را می‌خواستند ولی هیچ یک متوجه خواسته دیگری نمی‌شد، پس از آنکه خواسته خود را به هم نشان دادند معلوم شد که هر سه یک چیز را می‌خواستند ولی زبانشان با هم متفاوت بود؛ در واقع انسانیت در پی یک حقیقت واحد است و در عین حال زبان‌های گوناگون و تعبیر متفاوت به کار می‌برد.

ویژگی‌های اصلی جریان فرقه‌گرایی

کلمه توحید" که در واقع اصل و اساس سلسله ادیان و نزول وحی بر پیامبران بوده؛ کاملاً روشن و واضح است؛ اما توحید کلمه" که ستون دوم است بر این تأکید دارد که همه ما به یک دین اعتقاد داریم و همه آنچه در طول تاریخ در هر مقطع زمانی به عنوان شریعت موسی، عیسی و انبیاء اولوالعزم بروز داشته است، در واقع همان دین اسلام است، ولی از آنجا که این ادیان در ذهن بشریت ماند و کل جهان هنوز به حالت واحدی درنیامده، در انتظار ظهور آن عالم تکمیل‌کننده هستیم تا همگان را به توحید کلمه برسانند. در واقع توحید کلمه، توحید دیدگاه‌های مختلف است، توحید مذاهب مختلف که هر یک تصور و دیدگاه و جهان‌بینی خاص خود را دارند. از سوی دیگر با نگاهی به جنبش‌ها و جهش‌های فکری که در جهان وجود دارد و کشمکش‌های واقعی و مصنوعی که به وجود آمده، خواهیم دید که برخی عمدا در تلاش‌اند تا اردوگاه اسلام و حتی اردوگاه متدینین را اسیر جنگ فرقه‌ای نمایند؛ بر این اساس، عنوان کنفرانس بیست و سوم وحدت اسلامی، یک عنوان کاملاً واقعی است و نیاز مبرم برای اوضاع سیاسی، فکری و اجتماعی کنونی است و باید به عنوان یک بحث فکری تراز اول به آن پرداخته شود.

به عقیده حضرت‌تعالی، تنوع مذهبی و وجود تعامل میان آنان، چه آثار و برکاتی برای جهان اسلام داشته و دارد؟

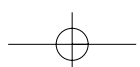
وجود و حفظ تنوع مذهبی نه فقط یک امر طبیعی که حتی یک امر مستحب است. بی‌شک، برای انجام آن باید به دستور دینی قرآن که بارها بر آن تأکید می‌کند: "أفلا تعقلون، افلا یتدبرون، فلا تفقهون و..." یعنی تدبر و تعقل و تفکر، عمل کنیم، باید از تنوع مذهبی حمایت کرد؛ چراکه عقل بشر محدود است و محدودیت‌های خود را در تنوع نشان می‌دهد و ظهور مکاتب و تفکرات متفاوت نتیجه همین محدودیت است تا همدیگر را در

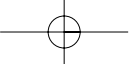
اشاره: کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در تهران، در بیست و سومین دوره که همزمان با روزهای پایانی سال جاری برگزار خواهد شد، موضوع "امت اسلامی؛ از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی" را برای خود برگزیده تا با حضور اندیشمندان سراسر جهان اسلام، راهکارهای تعامل مذهبی و جلوگیری از حاکمیت تعصب و جمود فکری را در روابط فی‌مابین مذاهب اسلامی مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس، خبرنگار تقریب به سراغ دکتر محمد صادق الحسینی، کارشناس مسائل خاورمیانه رفته و دیدگاه‌های وی را در این زمینه جويا شده است:

با توجه به شرایط کنونی جهان اسلام، انتخاب موضوع "امت اسلامی؛ از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی" برای دوره بیست و سوم کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی چه ضرورت‌هایی داشته است؟

به عقیده من و بنا بر شرایط و احوالات، عنوان این سمینار یک نیاز مبرم فکری و فلسفی و سیاسی و اجتماعی برای وضعیت کنونی جهان اسلام است. در واقع این عنوان، یک مفهوم مجرد دور از ذهن نیست بلکه یک چالش جدی است. در شرایطی که همه تلاش‌های جریان سرمایه‌داری حاکم بر جهان، در جهت ایجاد هرج و مرج فکری در جهان اسلام است، باید در عین رعایت و حفظ باید تنوع مذهبی واقعی، چارچوب توحید کلمه را رعایت کرد و نگذاریم این تنوع به منازعه فرقه‌ها تبدیل شود.

قرآن کریم می‌فرماید: "و جعلناکم امة وسطا" در واقع، دین مبین اسلام بر اساس وحی بر خاتم‌الانبیا محمد مصطفی(ص)، عملاً کامل‌ترین دینی است که بر بشریت نازل شده و به عنوان تکمیل‌کننده ادیان و مکاتب پیش از خود، بر دو پایه اصلی "توحید کلمه" و "کلمه توحید" استوار است.





می برد. حاصل این جریان نیز کشتار بی گناهان و ریختن خون مسلمانان و متدینینی است که خون آنها طبق کلام گهربار رسول خدا، از خانه کعبه هم مقدس تر است.

فرقه گرایان دارای این ویژگی ها هستند: نخست اینکه، از آزادیگی به معنای واقعی دورند. آزادیگی واقعی یعنی اجتناب از هر نوع منیت شخصی و فرقه ای، خانوادگی، نژادی، ملی گرایانه و قبیله ای. آزادیگی یعنی بندگی در مقابل خداوند. فرقه گرایان که از آزادیگی دورند، کانه مصداق شأن نزول آیه کریمه آرایت من اتخذ الهه هواه^۱ هستند که اله خود و رب خود را هوای نفس قرار داده اند.

تبعیت از اجنبی، ویژگی دوم این جریان است. این ویژگی، مخالفت صریح با قرآن کریم و نص صریح آن دارد که می فرماید: اُشداء علی الکفار رحماء بینهم^۲. این جریان، بر دوستان و برادران خود اشداء هستند و در مقابل نسبت به اجنبی و دیگران نه فقط رحماء هستند که ولایت آنها را پذیرفته اند و این مخالفت جدی با نص صریح قرآن کریم دارد.

ویژگی و خصیصه سوم این جریان، عدم اجرای یکی از مهمترین واجبات فقهی مسلمانان یعنی امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف می تواند درحد فردی طوری تفسیر شود که در خیابان به ناهنجاری های اجتماعی و ارشاد افراد منحصر شود؛ ولی آنجا که این امر به مسائل حکومتی بپردازد، با مخالفت بسیاری از افراد مواجه می شود. بسیاری از حکومت ها و نجبگان در جوامع اسلامی به جای امر به معروف و نهی از منکر، برعکس کار می کنند و با جهاد و اصل برقراری حکومت اسلامی مخالفت می کنند و با اختصاص حوزه فردی به دین، آن را از سیاست جدا می دانند. این ترهات و افکار سخیف برخی نجبگان وابسته به مکاتب فلسفی غرب، چنین تلفیقات را به نام اسلام، به امر به معروف و نهی از منکر تبدیل کردند؛ حال آنکه مسلمانان نیاز مبرم به همبستگی و دفاع از کیان اسلام دارند.

جریان فرقه گرایی در تاریخ اسلام، نمایندگانی داشته است. در عصر حاضر، چه گروه و جریاناتی، فرقه گرایی را نمایندگی می کنند؟

بدون شک وهابیون، نمایندگان اصلی این جریان هستند. در واقع از لحظه ای که این طرز تفکر مرموز از سوی شیخ محمد عبدالوهاب مطرح شده تا به امروز، خطرناک ترین جریانی که نماینده فرقه گرایی در جهان اسلام است، همین فرقه است. وهابیت با آغازگری جریان هدم مقدسات اسلامی، در سال ۱۲۱۶ هجری، قمری به مقدسات شیعیان حمله کرد و کربلا را ویران ساخت و حرم و تمام قبر امام حسین(ع) را نابود کرد. در این قضایا، کشتار عجیب مسلمانان و غارت آنان کمترین کاری بود که این جریان در کربلا انجام داد. پس از آن نیز، علی رغم آنکه امام کاشف الغطاء نامه ای صریح و محبت آمیز و پر از مودت و تراحم برای عبدالوهاب نوشتند و اشتباهات وهابیت را در این حملات به آنان گوشزد کردند، اما آنها مجددا همین اعمال را تکرار کردند و این بار به نجف اشرف حمله بردند.

امروز نیز این جریان، کل مسلمین جهان را غیر از خود تکفیر می کنند. اکنون شوافع مصری، حنفی های عراق، مالکی های شمال آفریقا و حنبلی های شبه جزیرهالعرب و زیدی های یمن و اباضیه های سلطان نشین عمان همه از این

فرقه گرایی وابسته به استعمار رنج می برند. فرقه گرایی همراه همیشگی حرکت استعماری است و هرجا که استعمار برنامه ای برای تکه تکه کردن جامعه اسلامی دارد، بازوی اجرایی آنها همین جریان فرقه گراست. از زمانی که آمریکایی ها برای تکه تکه کردن عراق به این کشور لشکر کشیدند، وهابیت تمام عملیات های انتحاری میان مردم را انجام می دهد. در لبنان نیز وهابیت بازوی مقدم جبهه استعمارگران برای فتنه میان شیعه و سنی است. در پاکستان نیز با عنوان سپاه صحابه قتل عام شیعیان را در دو سه دهه اخیر برعهده دارند. در افغانستان نیز همین طور. در سطح بین المللی هم شیعه هراسی و ایران هراسی را با همان دیدگاه فرقه ای خود ترویج می کنند.

برای ترویج جریان تقریب و فرهنگ آن در جوامع اسلامی و جلوگیری از تبدیل تعامل مذاهب به فرقه گرایی، چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

من معتقدم باید در دو میدان کار کنیم؛ یکی در میدان فکری و فلسفی است که باید فضا را برای ارائه مقالات علمی، طرح های پژوهشی، پایان نامه های دانشگاهی، برگزاری سمینار، کنفرانس وانجمن های نویسندگان و انجام سخنرانی ها و خطابه ها در این زمینه باز کنیم و بدانیم که هرچه بیشتر در این زمینه تلاش کنیم، جریان فرقه گرا را دچار یک نوع دق فلسفی و فکری خواهیم کرد و این جریان به سرطانی مبتلا خواهد شد که در نهایت در یک عمل جراحی، آن را مانند غده ای از پیکر جهان اسلام جدا خواهد ساخت.

اما میدان دیگر، تلاش حول محور مسئله عمده جهان اسلام است. در واقع امروز، مهمترین مشکل جهان اسلام چه از لحاظ سیاسی و چه از نظر حکومت ها و نجبگان و مردم، مسئله فلسطین است. مشکل فلسطین امروز همچون خنجرچری در پیکر جهان اسلام و استخوانی در گلو و چالشی جدی مطرح است. یکی از اهداف عمده رژیم اشغالگر قدس از حضور در فلسطین، تقسیم جهان اسلام و تکه تکه کردن اسلام است؛ چرا که فلسطین در وسط جهان اسلام قرار گرفته و جایگاه قدس شریف است و علاوه بر قداست، موقعیتی استراتژیک دارد. بر این اساس، باید همه اراده و تلاش خود را در سیاست بر این هسته مرکزی متمرکز کنیم و تمام کوشش ها را در فلسطین اشغالی علیه رژیم صهیونیستی و در جهت آزادی قدس شریف و احقاق حقوق ملت مظلوم فلسطین به کار ببریم. در این شرایط است که عملا آن فرقه خبیث و مرموز به عنوان غده ای در درون جهان اسلام منزوی خواهد شد و وعده الهی که امروز هر تحلیل گری نیز بر آن تأکید دارد فراخواهد رسید که اسرائیل روبه زوال رفته و از صفحه گیتی محو شود.

به عقیده شما، امروز جهان اسلام بیشتر تحت تأثیر جریان تقریب و تعامل مذاهب است یا جریان فرقه گرایی؟

اگر این موضوع را در سطح حکومت های رسمی و معادلات مادی قدرت بررسی کنیم، باید گفت که هنوز جهان اسلام تحت تأثیر جریان فرقه گرایی است. اکنون سلوک و رفتار حکومت های مختلف در منطقه حتی آنها که به نام جهان اسلام در کشورهای عربی و غیرعربی حضور دارند، به همراه طرح های آمریکایی و صهیونیستی و قلدران جهان و اقتدارگرایان و پایگاه نظامی آنان، منطقه را بیش از پیش میلیتاریزه می کند.

اما اگر در سطح مردمی نگاه کنیم، بین اقوام و مذاهب مختلف و مکاتب فکری سیاسی در جهان اسلام جریان تنوع مذهبی در عین حرکت به سوی کلمه توحید و همبستگی، خیلی مقتدرتر است و فرقه گرایان ایزوله هستند. امروز می بینیم که طالبان و القاعده نیز حتی بالاجبار و بالاگراه هم که شده، از مواضع گذشته خود کوتاه آمده اند. طالبان در حال تجدید نظر در افکار خود است. القاعده هم که تکفیری است، تحت فشار افکارعمومی جهان اسلام، مجبور شده در عقاید خود تجدیدنظر کند.

وقتی لبنان در جنگ ۳۳روزه پیروز شد، در الازهر الشریف برای نخستین بار عکس سید حسن نصرالله افزاشته شد و کاخ های ستمگران منطقه را لرزاند؛ این در حالی بود که عکس فرد ملی گرایی از خود مصر همچون جمال عبدالناصر نیز اینگونه بالا نرفته بود. در موریتانی خیلی از گروه ها سید حسن نصرالله را به عنوان مهدی موعود می دانند و هرچند نادرست؛ اما شعف و شوق و گسترش این تفکر ضدفرقه گرایی، شرایطی را فراهم کرده که برای آنان به عنوان اهل سنت تفاوتی نمی کند که نصرالله شیعه و از اولاد پیامبر است. در برخی جاها نیز برای سید حسن نصرالله اشعار و قصاید متعدد می سرایند و می گویند که خدا را شکر می کنیم که در زمان نصرالله زندگی می کنیم. در مبارزه دوم یعنی جنگ غزه نیز باز مسلمانان از اقصی نقاط جهان اسلام بی توجه به رأی و خواسته حکومت ها قیام کردند.

علی رغم تلاش هایی که می خواست جریان مقاومت و حزب الله را رادیکال و طرفدار خشونت معرفی کند و حتی برخی از مفتی هایشان دعای مسلمانان را برای مقاومت و حزب الله حرام دانسته بودند، اما این تلاش ها و فتواها در چهاردیواری زندگی آنها محصور ماند و حتی از اتاق شخصی این افراد نیز فراتر نرفت. از طرفی باید گفت که در سطح قدرتمندان و حکومتگران نیز شکاف جدیدی ایجاد شده و پدیده ای جدید به نام رجب طیب اردوغان از میان جوامع سنی، مدافع مسائل ایران، فلسطین و مقاومت و ضد فرقه گرایی است. در خلیج فارس نزدیک جزیره العرب هم سیاستمداران عمان و قطر و به تدریج سیاستمداران امارات، ایران را در منطقه قدرتی بزرگ و انکارناپذیر و حتی یک ابرقدرت منطقه ای می دانند و تأکید دارند که هیچ بحران و مسئله ای بدون در نظر گرفتن جایگاه ایران در حل آن، قابل حل نیست و از این رو دیگران را نیز به تعامل با ایران دعوت می کنند و پروژه ایران هراسی و شیعه هراسی را یک بیان و سخن سخیف می دانند. وزیر خارجه عمان چندی پیش در مصاحبه با روزنامه الحیات، گفت که ایران چه هسته ای و چه بدون توانمندی هسته ای، برای ما نگران کننده نیست و ما نسبت به آن مطمئن هستیم. این بیان وی، برای فرقه گرایان منطقه بسیار تعجب آور بود.

به عقیده شما، جریان تقریب یک جریان مردمی است یا نخبوی؟

جریان تقریب تلاش های بسیاری کرده تا افکارعمومی جهان اسلام چه در سطح نجبگان و چه در سطح مردمی را به سوی اتحاد بسیج کند؛ اما متأسفانه شاهدیم که میان تلاش های قدمای این جریان با تلاش های جدید فاصله ای اتفاق افتاد. در این زمینه باید گفته که تلاش های آقای قرضاوی، آیت الله تسخیری و شیخ بدرالدین حسون مفتی سوریه و دیگران با اینکه ثمرات

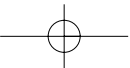
بسیاری داشته، اما بیشتر، یک جریان نخبوی است تا مردمی و از این رو باید این جریان را مردمی کرد. البته این بدان معنا نیست که مردم با این مسئله ناآشنایند؛ مردم خود به خود به اجماع می رسند و کمتر به فرقه گرایی میدان مانور می دهند ولی چون چالش ها و جنگ ها و نفاق ها و تاکتیک های دشمن بسیار پیچیده، سریع و خشن شده و همراه با کشتار است، ناآگاهانی از میان مردم را اجیر می کنند تا اهداف سیاستمداران جریان تفرقه را پیاده سازند. می بینیم که یک زن حاضر می شود در عملیات انتحاری، علی رغم اینکه خودش هم کشته می شود ولی جمعی از زائران حرمین شریفین را به شهادت برساند که این نشانه جاهلیت است و بیانگر آن است که چالش بسیار بزرگ و معرکه بسیار خطرناک است. راهکار اصلی این است که راه های نفوذ دشمن اسلام را سد کنیم تا از خشونت بیشتر، ضایعات و هتک حرمت های بیشتر جلوگیری می شود.

برای این منظور، باید کار نخبوی را ادامه داد ولی نوک حمله و تلاش بیشتر روی مردم باشد و کارهای مردمی و ترویجی بیشتر انجام شود؛ چراکه متأسفانه امروز می بینیم که در پاکستان و افغانستان، جنگ فرقه ای، مشخصا در میان مردم است.

فعالیت ها و اقدامات نهادهایی همچون کنفرانس اسلامی، اتحادیه بین المجالس و ... را در ایجاد همگرایی در جهان اسلام چطور ارزیابی می کنید؟

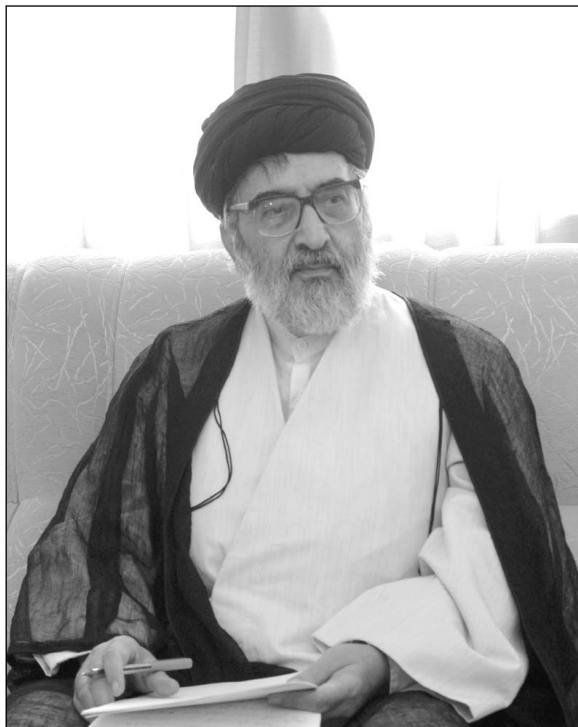
امروزه، مشکل جدی امت اسلامی این است که همه اتحادیه ها و سازمان هایی که برای ایجاد همگرایی در جهان اسلام تشکیل شده اند، در لحظات حساس توانستند کار خود را به خوبی انجام دهند. اتحادیه علمای مسلمین به رهبری شیخ قرضاوی و نایب رئیسی آیت الله تسخیری، و همچنین مجمع الفقها که شیعه و سنی هستند دستاوردهای خوبی داشته اند، اما نتوانستند مکانیزمی را برای حل منازعات تعریف کنند تا در لحظات حساس وارد عمل شوند. وقتی که هنوز در سطح علما این اقدامات ثمره چندانی نداشته، چطور می توان انتظار داشت که در سطح کشورها دستاورد چندانی داشته باشند. البته ایران در تلاش است تا یک پیمان امنیتی مشترک در سطح خلیج فارس برقرار شود. تلاش هایی نیز برای همگرایی کشورهای مسلمان تازه استقلال یافته پس از فروپاشی شوروی صورت گرفته که هرچند اقتصادی است ولی در صورت توفیق می تواند در عرصه های سیاسی نیز اثرگذار باشد. در چارچوب کنفرانس اسلامی نیز دادگاه اسلامی و بازار اسلامی مشترک می تواند تأثیرات مثبتی در پی داشته باشد. این الگو علاوه بر اروپا، اکنون در آفریقا نیز در حال پیاده سازی است و آفریقا سعی دارد ایالات متحده آفریقا را تشکیل دهد. مجلس شورای مشترک علمای اسلامی نیز که حالت دبیرخانه داشته باشد، می تواند راهگشا باشد. آنچه همه تلاش های گذشته صورت گرفته در جهت همگرایی را عقیم کرده، نبود یک بازوی اجرایی واقعی و عملی است که در لحظه حساس بتواند وارد عمل شود و تغییر محسوس در معادلات ایجاد کند.

از طرفی باور دارم که تا مسائل سیاسی حل نشود، بعید است که به تقریب مذهبی برسیم؛ به خصوص مسئله فلسطین. در واقع هر قدر به آزادی فلسطین نزدیک تر شویم، آزادی جهان اسلام از قیود مختلف فراهم تر شده و پیروزی های ملموس و عملی به دست می آوریم.



استاد سید هادی خسروشاهی در مصاحبه با ماهنامه «نسیم بیداری»:

حرکت امام در ابتدا اصلاح طلبانه بود



سبحان می گردد، برای نشان دادن اهمیت موضوع و ضرورت حفظ احترام هم علما و مراجع، به طور صریح و شفاف فرمودند: «من دست هم مراجع را می بوسم» و این نشان می دهد که هدف، از دیدگاه امام بالاتر از حیثیات و تشخص های فردی است و احترام علما و مراجع، در راه مصلحت اسلام و قرآن و نهضت یک واجب عینی برای همگان است آن هم تا حد دست بوسی... و از این جا، فرق آن بینش با روش ها و منش های عصر ما روشن می گردد.

به عبارت دیگر باید گفت که ادامه دعاها و کشمکش ها که بی تردید به ضرر اسلام و انقلاب است - از هر طرفی که باشد - عملی غیر خدایی و ناشی از اهداف نفسانی است...

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب، باز در این زمینه هشدار دادند که توجه به آن اهمیت نکته را کاملاً روشن می سازد، این بیانات در دوران بحرانی اختلافات موجود بین عناصر اصلی حاکم و مسئولین امور کشور، صادر شده است.. توجه کنید: «...دعاهای ما، دعوائی نیست که برای خدا باشد... همه باید از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است. ما برای مصالح اسلامی دعوا می کنیم... دعوی من و شما، و همه کسانی که دعوا می کنند، همه برای خودشان است...» (مراجعه کنید به صحیفه امام ج ۱۴ صفحه ۴۷۹).

البته در این راستا کسانی که خود را می خواهند از شمولیت این بیانات جدا بدانند، بی تردید خود را گول می زنند... و به یقین پاداش یا کیفر هر کسی، در قبال هر عملکردی، در انتظار او خواهد بود

برداشت مراجع و روحانیون از حکومت جایگزین رژیم پهلوی چه بود و چه انتظاری از آن داشتند؟

پس از پایان مراحل نخستین نهضت و آغاز نوید پیروزی، اکثریت قریب به اتفاق مراجع عظام و علمای بلاد، از رژیم شاه روگردان شده بودند و هیچکدام تمایلی بر بقاء آن و یا ایجاد حکومتی مشابه آن نداشتند... و به همین دلیل، همانطور که اعلامیه ها و بیانیه ها و سخنرانی های آن ها شاهد است، خواستار «حکومتی مردمی» بودند و بعضی ها هم هوادار نوعی جمهوری به اصطلاح دموکراتیک! شدند که البته این تصور، ناشی از اعلام نوعی روشنفکری! و یا هم آهنگی با جهان مدرن! بود و بی تردید آن ها در نهایت هوادار نظامی بودند که در آن احکام اسلامی اجرا شود و یک مدینه فاضله الهی و ملوکوتی به وجود آید...

امام در سخنرانی خود در مسجد اعظم، هشدار داده بود که مراجع همه در سن شصت - هفتاد سالگی هستند و نمی توان آن ها را تابع اهواء نفسانی نامید و هرگونه اختلافی را ناشی از نوع اجتهاد و برداشت آقایان می دانست و می بینیم که تقریباً همین مراجع و علما معتدل هم وقتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

بی مناسبت نیست که در اینجا، درباره روش نخستین سید جمال الدین حسینی (اسدآبادی) برای اصلاح امور توضیح بیشتری بدهم... سید در آغاز حرکت خود نه تنها به ملاقات رجال سیاسی آن عصر، در هر کشور و سرزمینی می رفت، بلکه طی نامه هایی، با حفظ ظاهر و ذکر القاب، رؤسا و شاهان و حاکمان آن کشورها را مورد خطاب قرار می داد.. و در همین رابطه، در مصر به «خدیوی پاشا» نامه می نویسد که قانون را اجرا کند، به سلطان عبدالحمید، خلیفه عثمانی در اسلامبول رقیمه ای می نگارد و از او خواستار اجرای امور بر مبنای قوانین انسانی می شود و به ناصرالدین شاه قاجار در تهران، ضمن ملاقات و انتظار داشتن دو گوش شنوا هشدار می دهد که باید در کشور، به جای یک نفر، قانون حکومت کند و این را در نامه های متعددی، به وی و وزیر اعظم او ابلاغ می کند، اما وقتی که در مصر و مقر خلافت عثمانی و ایران قجری، با ادام استبداد و خشونت و تبعید و زندان روبرو می شود، خواستار «خلع» و برکناری سلطان و خلیفه و خدیوی می گردد و به همین دلیل هم از مصر به عنوان یک «آخلالگر» اخراج می شود. در ایران به عنوان «عنصر نامطلوب» دستگیر و به عراق تبعید می گردد و سرانجام در باب عالی خلیفه عثمانی، گرفتار زندگی در «حصار» و سپس مسمومیت مشکوک می شود و از دنیا می رود... البته قصه کامل زندگی و مبارزه سید در کتاب ها آمده است و داستان نامه وی به مراجع عظام و علمای اعلام عراق در ضرورت خلع شاه ایران، معروف است... یعنی سید نخست به «سد سنیّه عالیّه» شاه قجر، نامه می نویسد... و پس از سال ها که می بیند گوش شنوائی در کار نیست، در نامه خود به علما عظام می نویسد که تتهاراه رهایی ملت ایران الخلع - الخلع است یعنی: شاه باید برود...

نقش، تأثیر و عملکرد مراجع و روحانیون میانه رویی که با انقلاب میانه ای نداشتند را چگونه ارزیابی می کنید؟

درباره عملکرد مراجع به قول شما معتدل، که نخست تمایلی به رویارویی با رژیم شاه را نداشتند، باید گفت که این روش اگر زائیده نوعی ترس از احتمال سرکوب کامل روحانیت و حوزه ها و توده های مردم با ایمان، مانند دوره سیاه رضاخانی نباشد، می توان گفت که ناشی از طرز تفکر «لیبرالستی» آنان بود...

و همانطور که امام همان وقت ها به طور مکرر در سخنرانی ها و اعلامیه های خود بیان داشتند، هرگز نمی توان گفت این روش محتاطانه آن عالمان، ناشی از تمایل آن ها به استمرار ظلم و ستم رژیم شاهی باشد، چون اصولاً معقول نیست که صاحبان اصلی اندیشه اسلامی و رهبران مذهبی مردم، هوادار نظامی ضد دینی باشند... و به هر حال روش نخستین این گروه از علما، نخست عدم همکاری با نهضت و رویارویی با رژیم بود، ولی در عمل نقش و تأثیر سرنوشت سازی در ایجاد بحران و یا منفی، در مسیر حرکت توفنده نهضت اسلامی ایران نداشت. و به این نکته مهم اشاره کنم که امام در نخستین سخنرانی خود پس از آزادی از زندان، در سخنرانی خود در مسجد اعظم قم، ضمن نصیحت طلاب جوان و هشدار به اینکه شطر کلمه ای علیه مراجع موجب قطع ولایت بین آن فرد و خداوند

این گفتگو با استاد سید هادی خسروشاهی در شماره سوم مجله وزین ماهنامه «نسیم بیداری» - بهمن ۱۳۸۸ - منتشر شده است که اینک متن کامل آن به اضافه پرسش و پاسخی که در آن مجله نیامده است، جهت اطلاع علاقمندان در این شماره درج می گردد.

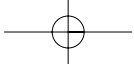
چه شد که نهضت حضرت امام با نصیحت شاه در سال ۴۱ شروع شد اما به انقلاب و تغییر بنیان حکومت منجر شد؟

نهضت روحانیون و مراجع تقلید، به رهبری امام خمینی (ره)، در آغاز جنب اصلاح طلبی و «بازدارندگی» داشت... یعنی آن ها نخست می خواستند که «رژیم» را اصلاح کنند و آن را از درگیری با مقدسات مردم مسلمان ایران بر حذر دارند و دقیقاً مانند حرکت نخستین اصلاحی سید جمال الدین حسینی، با مخاطب ساختن مسئولین نظام و اصحاب سلطه، به آن ها هشدار دادند که راه صحیح در اداره کشور و حفظ منافع ملی و تأمین رفاه مادی و معنوی توده مردم را انتخاب کنند و با توسل به بهانه های غیر منطقی، در راستای تحول ظاهری جامعه و پیشرفت مادی منهای معنویت و ارزش ها و اصول اخلاق اسلامی، جامعه را به سوی زوال و نابودی اخلاقی و سقوط در دامن سلط استعماری و آلت فعل شدن خودشان، سوق ندهند.

روی همین اصل بود که می بینیم که در مراحل نخستین، به ویژه در ماجرای انجمن های ایالتی - ولایتی، مراجع عظام و حتی شخص امام خمینی - که روش و منش او نسبت به حاکمیت بر همه شاگردان و علاقمندان ایشان روشن بود و حتی به نحوی، آن را در رابطه با رژیم، در کتاب کشف اسرار، بیان داشته بودند - با نوشتن نامه محترمانه به شاه و یا نخست وزیر وی اسدالله علم، به نصیحت آن ها پرداختند... و تا آنجا که حتی در سخنرانی معروف عاشورائی، در مدرسه فیضیه، امام خطاب به شاه گفتند: آقای شاه، من تو را نصیحت می کنم... من نمی خواهم وقتی تو مانند پدرت از مملکت رفتی مردم اظهار خوشحالی بکنند... و سپس مشکلات جامعه را مطرح ساختند و انتقادهای اساسی را به رژیم گوشزد کردند... اما رژیم با تصور باطل قدر قدرتی! خود و درواقع با اتکاء به اربابان بیگانه - که پس از کودتای ضد مردمی ۲۸ مرداد ۳۲، او را از نو به سر کار آورده بودند - و با تکیه بر اسلحه و توپ و تانکی که از امپریالیسم غرب خریداری و دریافت کرده بود، به جای پاسخ منطقی و گوش دادن به نصایح بزرگان، به سرنیزه و زندان و اعدام و تبعید متوسل شد و تصورش این بود که می تواند با استفاده از روش قدرت نمائی و زور سرنیزه، نهضت را سرکوب کند و رهبری آن را از صحنه دور سازد...

اما این از همان آغاز تصور باطلی بود و نشان می داد که رژیم و اربابان آن، از قدرت و توان معنوی و نفوذ توده ای روحانیت خبر ندارد و نمی داند که سرکوب روحانیت، یعنی سرکوب توده های مردم و این، یعنی اقدامی شکست خورده از آغاز...

این بود که نهضت ناصحانه مراجع و حضرت امام خمینی، به طور طبیعی به استمرار مبارزه و سرانجام به اظهار اندیشه تغییر بنیادی حکومت و پیروزی انقلاب منجر گردید.



دیگران وجود داشته باشد و بخواهند مقالات یا مصاحبه های آن ها را هم چاپ و منتشر سازند، به نظر من بدون توجه به گرایش و نوع روش نشریه و حتی علیرغم مخالفت با ورش و منطق آن، می توان با آن به گفتگو نشست! و به طور خلاصه و یا به عبارت دیگر، استفاده از این تریبون ها، چون بالاخره هر کدام به نحوی متعلق به طیفی از مردم هستند، یک نوع ضرورت اجتماعی است، مگر آنکه دوستان چپ و راست با دگماتیسم حزبی - مرئی و نامرئی!- بخواهند با خط کشی خودی و غیرخودی! فقط اندیشه خود را انحصارطلبانه مطرح سازند... و در این صورت عملاً راه همکاری مسدود می گردد... البته به نظر من هم در نهایت، این نوع "دگماتیسم" ره به جایی نخواهد برد! به طور کلی و با توجه به آموزه قرآنی، گوش دادن به گفته های گوناگون و سپس انتخاب سخن بهتر، یک دستور است: اَن الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه... پس اگر فقط یک نوع اندیشه مطرح گردد و انسان از سخن دیگر بی خبر بماند، چگونه می تواند که "بهترین" را از میان آن ها انتخاب کند؟!.. امیدوارم که این آموزه قرآنی، آویزه گوش همه پیروان راستین قرآن باشد...

البته همه می دانیم که هزینه انتشار مطبوعات کشور، بدون استثناء از بودجه مردم تأمین می شود - بعضی ها به طور مستقیم و بعضی ها به شکل غیرمستقیم- پس هم این مطبوعات به مردم تعلق دارند، و در واقع تریبون هایی هستند که اندیشه ها و افکار گوناگون عناصر مختلف العقیده جامعه را منتشر می سازند... و در دیدگاه اینجانب، استفاده از این تریبون ها، وقتی خودشان اعلام آمادگی می کنند، امری مثبت، برای نشر اندیشه است، یعنی خوانندگان آن جرئت حق دارند از طرز تفکر افراد ولو غیر موافق آشنا شوند و روش آن ها را بشناسند و اگر این مطبوعات، سعه صدر داشته باشند و به نشر اندیشه و هدف افراد دگراندیش هم بپردازند، به نظرم علاوه بر اینکه در تنویر افکار عمومی نقشی به عهده خواهند داشت بلکه در ایجاد آرامش در جامعه و تعدیل گرایش ها و تصمیم روش ها هم می توانند مؤثر باشند... مگر آنکه صاحبان بعضی از جراند و ارباب مطبوعات، تعصب ویژه ای برای نشر اندیشه های کلیشه ای خاص خود را داشته باشند که در آن وقت، افراد دیگر نمی توانند دیدگاه های خود را در آن ها منتشر سازند، ولی اگر آمادگی تحمل عقاید

سازمان ها و احزاب و گروهها و شخصیت ها، در دوران نهضت" هر کدام به نوبه خود نقش خاصی را ایفا کردند، اما نمی توان آن ها را در پیروزی انقلاب اسلامی، عامل اصلی یا تأثیرگذار نامید... و بی تردید کسانی که در راه خدا و برای رهایی خلق خدا و بسط قسط و عدل در جامعه، تلاش و کوشش داشته اند، پاداش آن ها در پیشگاه خدای سبحان محفوظ خواهد بود و آن هایی هم که پس از پیروزی انقلاب دچار انحراف و سهم طلبی شده و از مسیر اصلی و صحیح انقلاب جدا شدند، باید گفت که متأسفانه: قد ضیعوا اعمالهم... و دچار خسران دنیوی، قبل از کیفر اخروی شدند. انشاءالله خداوند عاقبت همه را ختم به خیر فرماید که ان الشیطان لأماره بالسوء الا ما رحم ربی. و انسان اگر به تهذیب نفس نپردازد و تزکیه نشود، همواره در معرض خطر سقوط خواهد بود. استاد بسیار دیده شده که جنابعلی بدون توجه به گرایش های مطبوعات -اعم از روزنامه و مجله - با هم آن ها به گفتگو می نشینید و مصاحبه های شما در جراند محافظه کاران و اصلاح طلبان منتشر می گردد تحلیل اجمالی فلسفه این کار چیست؟

به ساواک اطلاع داده می شود که "موضوع صدر" به زودی "حل" خواهد شد! و می دانیم که ایشان در سفری به لیبی "توسط سرهنگ قذافی دستگیر و پنهان می شود که تا امروز هم از سرنوشت قطعی ایشان خبری نیست و متأسفانه نه جمهوری اسلامی ایران و نه دولت لبنان، در این زمینه نقش خود را ایفا نکرده و رژیم لیبی را به جد مؤاخذه نکرده اند... و حتی شنیده می شود که توسعه روابط با لیبی، در اولویت قرار می گیرد که اگر بنا بر حذف معیارها و ارزش ها است، چرا با امریکا هنوز کلنجار می روند؟

نقش احزابی مانند ملل اسلامی، نهضت آزادی، سازمان مجاهدین، حزب مؤتلفه و... را در روند انقلاب اسلامی چگونه ارزیابی می کنید؟

احزاب و سازمان های اسلامی و یا ملی پوزیسیون که در دوران قبل از انقلاب فعالیت هایی داشتند بی تردید در پیشبرد اهداف نقش خاص خود را داشتند... و علاوه بر سازمان ها، نقش افرادی چون مرحوم دکتر شریعتی در آماده سازی نسل جوان، برای حرکت جدی بر ضد نظام طاغوتی بر همگان روشن است و نمی توان آن را منکر شد... ولی به این نکته باید اشاره کرد که این

امام خمینی :

از تاریخ عبرت بگیریم مواظب باشید مشروطه تکرار نشود

از غرب که توسط روشنفکران و غرب و شرقزدگان خائن یا نفهم صورت می گرفت مجلس را در نظر روحانیون و متدینین به گونه ای ساخته بودند که دخالت در انتخابات از معاصی بزرگ و اعانت به ظلم و کفر بود! و روحانیت بکلی از صحنه خارج شد و به انزوا کشیده شد؛ و دست قلدران و شرق و غربزدگان باز شد؛ و کشور را به آنجا کشاندند که دیدید و دیدیم . مع الاسف امروز هم آن افکار پوسیده در نادری از معممین بیخبر از دنیا دیده می شود. در حالی که اگر در هر شهری و استانی چند نفر مؤثر افکار مثل مرحوم مدرس شهید را داشتند مشروطه به طور مشروع و صحیح پیش می رفت و قانون اساسی با متمم آن که مرحوم حاج شیخ فضل الله در راه آن شهید شد دستخوش افکار غربی و دستخوش تصرفاتی که در آن شد نمی گردید و اسلام عزیز و مسلمان مظلوم ایران آن رنجهای طاقت فرسا را نمی کشیدند. به دنبال خروج روحانیون یا به عبارت دیگر اخراج آنان از صحنه عموم متدینین از هر قشری از اقشار چه فرهنگی چه کارگری چه اداری و بازاری و چه غیر اینها نیز از دخالت کناره گرفتند یا برکنارشان کردند؛ و آن شد که شد. اکنون ما باید از آن توطئه ها و مفاصلی که از انزوای متدینین پیش آمد و سیلی ای که اسلام و مسلمین خوردند عبرت بگیریم.

این مسائل به عهده علما و خصوصاً ائمه جمعه است که همه دست در دست یکدیگر بدهند تا انقلاب محفوظ بماند و مثل زمان مشروطیت نشود که آنها که اهل کار بودند مایوس بشوند و کنار بروند - که در زمان مشروطیت همین کار را کردند و مستبدین آمدند و مشروطه خواه شدند و مشروطه خواهان را کنار زدند - و عده ای که با اسلام سر و کار ندارند به نام اسلام و پیروی از آداب اسلام روی کار بیایند.

(منبع : صحیفه امام ص ۱۷۰ تا - ۱۷۲ ص - ۴۱۱ ص ۳۳۵ و ص ۱۹۶)

همه می خواهید که اسلام در این مملکت تحقق پیدا کند همه می خواهید که این جمهوری اسلامی ادامه پیدا بکند ادامه این به این است که شما در مواردی که می بینید که دارند شیاطین نقشه می کشند و توطئه می کنند تا شما را به جان هم بیندازند بنشینید با هم و تفاهم کنید و آنها را مایوس کنید.

دستهای الان در کار است که حتی بین خانه ها اختلاف بیندازد. در یک خانه بین افراد اختلاف بیندازد. ما باید از تاریخ عبرت ببریم و این تاریخ در زمان مشروطه این طور بود. در زمان مشروطه آنهایی که می خواستند ایران را نگذارند به یک سامانی برسد و چماق استبداد تا آخر باقی بماند بین افراد دستجات احزاب اختلاف انداختند حتی آنهایی که آن وقت بودند می گفتند که در یک خانه بین برادر با برادر پدر و پسر اختلاف بود یک دسته مستبد یک دسته مشروطه . این اختلاف موجب شد که نتوانست مشروطه آن طوری که علمای اسلام می خواستند تحقق پیدا بکند. بعد هم این اختلافات موجب شد که یک دسته از غربزده ها بریزند و به اسم مشروطه بگیرند مقامات را و استبداد به صورت مشروطه بر این ملت تحمیل کنند و دیدید که چه شد. امروز همان روز است اگر ملت ایران بیدار نشود اگر علما بیدار نباشند غفلت کنند اگر علمای قم مدرسین قم طلاب قم علما تهران روحانیت مبارز تهران علما همه بلاد و روحانیون همه بلاد و مردم بیدار نشوند الان دارند وضعی را یعنی می خواهند وضعی را کار کنند که زمان مشروطه کردند و بدانید گناهشان به گردن همه ماست.

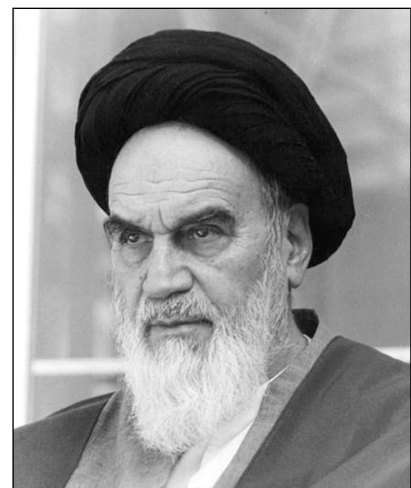
هر چه به سر این ملت مظلوم در طول زمان پس از مشروطیت تا دوره آخر انتصابات ستمشاهی آمد به طور قاطع از مجلسهای فاسد بود که ملت در انتخاب نمایندگانش یا هیچ دخالت نداشت یا دخالت بسیار ناچیزی داشت . روحانیون را یکسره از دخالت بر کنار کردند ؛ و با توطئه های موزیانه و تبلیغات مسموم ملهم

بینند منافعشان از بین می رود - نمی گذارد - قانون اساسی که موافق با اسلام باید باشد و اگر مخالف شد قانونیت ندارد نمی گذارد که اینها هر کاری می خواهند بکنند بکنند یک دسته از همان مستبدین مشروطه خواه شدند و افتادند توی مردم . همان مستبدین بعدها آمدند و مشروطه را قبضه کردند و رساندند به آنجایی که دیدید و دیدیم.

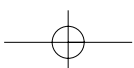
زمان "میرزای شیرازی" هم می خواستند یک همچو کاری بکنند. مرحوم میرزا که دخانیات را تحریم فرمود شیاطین افتادند و در بین مردم و به آنجا رساندند که بعضی از اهل علم بعضی از شهرها بالای منبر - به طوری که نقل می کنند - قلیان کشید بر ضد حکم مرحوم میرزا لکن میرزا چون قدرتش قدرت فوق العاده بود و از این طرف هم طرفداران او مثل میرزای آشتیانی قوی بود و قدرتمند نتوانستند آنجا کاری بکنند. در مشروطه اینطور نبود در مشروطه هر دو طرف قوی بودند. نجف بعضی علمای درجه اول مخالف بودند بعضی علمای درجه اول موافق بودند. در ایران هم بین علما همین جور اختلاف را ایجاد کردند و این این طور نبود که خود به خود ایجاد شد ایجاد کردند در بین آنها ما باید از تاریخ عبرت بگیریم که مبدا یک وقتی در بین شما آقایان روحانیون اشخاصی یا در بین مردم وسوسه کند و خدای نخواسته آن امری که در مشروطه اتفاق افتاد در ایران اتفاق بیفتد.

باید مردم توجه کنند و خصوصاً روحانیون روحانیون مبارز تهران مدرسین محترم قم روحانیون مشهد اصفهان همه جا توجه کنند که مسئله مسئله مشروطه نشود. مسئله این نشود که یک دسته برای خاطر اینکه یک کاندیدایی دارند دیگران را بگویند آن دسته هم برای همین کاندیدای خودشان این را بگویند.

اگر همه برای خدا هست باهم تفاهم کنید... مثل مشروطه نشود. آن طور نشود که هر کدام دیگری را بگویند و آنی که دشمن ما می خواهد خطوط مختلفه را در انتخابات عملی کند. شما



تاریخ یک درس عبرت است برای ما. شما وقتی که تاریخ مشروطیت را بخوانید می بینید که در مشروطه بعد از اینکه ابتدا پیش رفت دست هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم بندی کرد. نه ایران تنها از روحانیون بزرگ نجف یک دسته طرفدار مشروطیت یک دسته دشمن مشروطه علمای خود ایران یک دسته طرفدار مشروطه یک دسته مخالف مشروطه . اهل منبر یک دسته بر ضد مشروطه صحبت می کردند یک دسته بر ضد استبداد. در هر خانه ای دو تا برادر اگر بودند مثلاً در بسیاری از جاها این مشروطه ای بود آن مستبد. و این یک نقشه ای بود که نقشه هم تأثیر کرد و نگذاشت که مشروطه به آن طوری که علما بزرگ طرحش را ریخته بودند عملی بشود. به آنجا رساندند که آنهایی که مشروطه خواه بودند به دست یک عده کوبیده شدند. تا آنجا که مثل مرحوم "حاج شیخ فضل الله نوری" در ایران برای خاطر اینکه می گفت باید "مشروطه مشروعه" باشد و آن مشروطه ای که از غرب و شرق به ما برسد قبول نداریم در همین تهران به دار زدند و مردم هم پای او رقصیدند و یا کف زدند. در مشروطه در عین حالی که ابتدائش نبود این مسائل لکن آنهایی که می دیدند که از مشروطه ضربه می





تکرار دوباره موضوع فرهنگی و فکری و تمرکز بر قضایای سنتی قدیمی، و حسین حوثی از این گروه بود.

ریشه‌یابی روح انقلابی گفتمان حوثی

روح سرکش و انقلابی گفتمان حوثی به دو عامل اصلی برمی گردد:

نخست: این روح و روحیه، خروجی یا برون‌داد طبیعی تربیت زیدی - هادوی است. این تربیت، ارزش نظر و تفکر را بسیار بالا می برد و به شخصی که به مرتبه اجتهاد دست یافته، حق اعمال نظر اجتهادی اش را می دهد. گویا حسین حوثی در خود اهلیت اجتهاد را دیده که از برخی آرای حاکم و رایج در مذهب زیدی شانه خالی کرده است. این کار او، خشم بعضی از برجسته ترین علمای مذهب زیدی را برانگیخت.

عامل دوم به این نقطه بر می گردد که بخشی از تکوین فکری و سیاسی حوثی، ریشه در مبانی اندیشه سیاسی زیدی دارد که اصل پنجم را امر به معروف و نهی از منکر برشمرده و لازمه ایمان به این اصل را رد، سرپیچی، محاربه و خونخواهی از هر حاکمی می داند که به فسق و فساد او باور حاصل می شود.

اختلافات درونی سبب شد تا سازمان ثناب المؤمن زود هنگام اعلام موجودیت کند و تحولاتی نمایشی رخ دهد که یکی از دو طرف را به سطح برساند و سپس به گزینه فعالیت مسلحانه بکشاند. اوج این اختلافات شدید درونی، جدایی و انفصال طرفین بود و در پایان کار، جناح حسین حوثی بر جریان مسلط شد. آغاز اختلاف، اجمالاً ابراز تحفظ و نقد برخی مراجع بزرگ تقلید مانند مجدالدین مؤیدی بود که اعلام کرد پاره ای از آنچه در جلسات و تجمعات حوثی بیان می شود، خلاف عرف و اندیشه مذهب زیدی است. این موضعگیری سبب شد تا دروس حسین حوثی یک دوره متوقف شود، اما پس از وارد شدن بدرالدین حوثی و بازنگری وی در مواد و محتوای این دروس و قانع کردن المؤیدی به درستی این دروس، بار دیگر از سر گرفته شد. با این حال اختلاف آنها آشکار شد و به گوش رئیس جمهوری یمن هم رسید.

عزان که یار غار قدیمی حسین حوثی بود و سپس از وی برید، سال ۱۹۹۹ را نقطه آغاز ظهور اختلاف درونی این مؤسسه می داند. گروه تحت تأثیر عزان، اولویت را به توسعه ابعاد علمی و مطالعه جسورانه میراث فکری و پاسخ به پرسش های دانشجویان پیرامون مسائل اختلافی، در فضایی آزادانه می داد، در حالی که گروه دیگر که محمد بدرالدین در رأس شان بود، به بعد روابط میان دانشجویان، تربیت معنوی و تقید آنان به میراث فکری، و تأکید بر نقاط جدایی و تمایز میان مذاهب اولویت می داد.

اما در اواخر سال ۲۰۰۰م، حسین بدرالدین حوثی به نفع برادرش محمد وارد ماجرا شد و از ترجیح ایده تقدیس سنت و خودداری از نوسازی و گشودگی فکری دفاع کرد و نوسازی فکری را

جنبش حوثی های یمن

نوشته: محمد احمد دغشی - محمود کریمی / منبع: پایگاه اینترنتی "راسخون"

تشیع به شمار می آید که از میان دیگر فرق شیعه به تسنن نزدیک تر است. اگر از اختلافات مذهبی میان شیعه اثنی عشری و شیعه زیدی - و از جمله هادوی - چشم‌پوشیم و نگاه‌ها را به سمت واقعیت سیاسی موجود توجه دهیم، نزدیکی آشکاری میان فرقه زیدی‌ه‌ها و فرقه زیدی‌ه‌ها و فرقه مشهورتر شیعه یعنی شیعه امامیه اثنی عشریه از سوی دیگر مشاهده خواهیم کرد. زمینه این تقریب، بستر تشیع است.

می خواهیم نتیجه بگیریم که بستر تشیع که میان مذهب اثنی عشری و زیدی هادوی مشترک است، به نزدیکی دیدگاه‌های دو مذهب در ابعاد سیاسی کمک کرده است.

با اینکه از شروط مقرر شده برای حاکم در اندیشه سیاسی زیدی، منتسب بودن به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است، اما برخی از شخصیت‌های جریان حوثی معتقدند که این مسئله، مسئله‌ای تاریخی است و اکنون، فقط قانون اساسی می‌تواند مرجع رابطه میان حاکم و مردم باشد. این امر قابل توجه است، اما با سخنان صریح بالاترین مسئولان جنبش حوثی که مرجع اعلامی شیعه زیدی هستند، هماهنگ نیست. بدرالدین امیر الحوثی - پدر حسین - در پاسخ به روزنامه نگاری که از وی پرسیده بود: بنا به فتوای شما حکومت هرکس - هرچند از اهل بیت (ع) نباشد - جایز است؟ چنین گفته بود: ما دو نوع حکومت داریم که یک نوع آن، امامت است و این ویژه اهل بیت (ع) است نوع دیگر احتساب (حسبه) نامیده می‌شود که هر مؤمن عادل از این باب می‌تواند حاکم شود، در صورتی که حساب دین خدا را بکند (حسبه) و از اسلام حمایت کند و به نیکی امر و از بدی نهی کند، اگرچه از سلاله امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نباشد.

روزنامه نگار پرسید: چگونه این دو الگو را با هم آشتی می‌دهید؟ حوثی پاسخ داد: تعارضی وجود ندارد؛ هرگاه امامت ممکن نباشد، احتساب (حسبه) خواهد بود.

این موضع گویای آن است که در حقیقت، همان گونه که شیعه اثنی عشری امامت را منحصر به دوازده امام علیهم السلام، می‌داند، شیعه زیدی هادوی، امامت را منحصر به نسل امامین الحسینین (ع) - که از آن تعبیر به بطنین می‌کنند - می‌داند و این مطلب از این سخن بدرالدین حوثی برمی‌آید که: انتخاب و دموکراسی یک راه است، اما امامت راه دیگری است.

تکوین علمی، فکری و ایدئولوژیک

با توجه به این که در اندیشه سیاسی حوثی تعریف خاصی از مشروعیت سیاسی شده است، وی کوشید تا پیروان خود را بر اساس مبانی نظری تغذیه فکری کند که بر بخشی از مفهوم سنتی مشروعیت متکی است. پارادوکس این جاست که حسین و پدرش بدرالدین حوثی، در برابر پاره‌ای اندیشه‌های افراطی که در بخش‌هایی از سنت بر آن تصریح شده است، همداستان بوده‌اند، اما این موضعشان مورد نقد و تحفظ مرجع اعلامی شیعیان زیدی، مجدالدین المؤیدی قرار گرفته است و آن دو کوشیده‌اند تا وی را اقناع کنند که این نقد و تحفظ را پس از تایید بدرالدین حوثی به کناری نهد.

اما چیزی نگذشت که اختلافی دیگر میان دو طرف پدیدار شد. سردهسته یک طرف حسین حوثی و سردهسته طرف دیگر محمد یحیی سالم عزان. یک دسته خواهان گشودگی به روی دیگران و گفت و گو و نواندیشی بود و دسته دیگر متمایل به

۱۵ هزار تن و بنا به اعلام بیانیه‌ای به نام شیعیان اثنی عشری یمنی، به ۱۸ هزار تن رسید.

مرحله دوم، که مرحله رویارویی مسلحانه یا سازمان دهی مسلحانه علنی - معروف به جامعه الحوثی - است، از سال ۲۰۰۴ آغاز شد. از این مقطع زمانی به بعد، جماعت حوثی به گروه‌های نظامی تبدیل شد که دارای بعد ایدئولوژیک بود. این گروه‌های نظامی طی چهار سال، پنج جنگ مسلحانه را با ارتش یمن سامان دادند. آغاز این دوره چهارساله، ژوئن ۲۰۰۴ و پایان آن، جولای ۲۰۰۸ بود. البته میان هر جنگ و جنگ بعدی، دوره استراحتی فاصله افکند.

دامنه عملیات جنگ پنجم البته گسترده‌تر بود و در مناطق صعهه محدود نماند و به مناطقی کشیده شد که به طور سنتی، گرایش زیدی هادوی دارند. یکی از این مناطق، شهرستان بنی حشیش یکی از نزدیک‌ترین شهرها به صنعاء است. این جنگ به شدت ارتش یمن را به خود مشغول کرد. با این که ارتش یمن در آن زمان اعلام کرده بود که اوضاع را در کنترل خود دارد، اما این درگیری‌ها در آینده تکرار شد، چرا که در درگیری‌های پیشین نیز هر بار بیانیه‌های ارتش حکایت از خواباندن نزاع داشت. ریشه این درگیری‌ها را باید به ریشه‌های ایدئولوژیک این جماعت و در هم تنیدگی عوامل ایدئولوژیک و مذهبی با عوامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی پیوند داد.

بستر تاریخی

برای درک پدیده جماعت حوثی باید به این دو حقیقت اشاره کرد:

نخست، این که دو مذهب اصلی مردم یمن شافعی و زیدی است و مردم یمن در سایه این دو مذهب تاکنون برادرانه زیسته‌اند.

اگرچه زید، نخستین پیشوای زیدی به یمن به شمار آمده است، اما وی شرط نسبی یا خانوادگی و حتی افضل بودن را برای انحصار خلافت در خاندان علوی مطرح نکرد و در امر خلافت، مصلحت مسلمانان و عدالت والی را شرط کرد؛ هرچند چنین چیزی را امامت مفصول با مراعات شرط کفایت و عدالت نامید و از فرض‌های اتوپیایی دوری جست. اما این شیوه نظری، خلاف نظری است که پس از آمدن هادی در سال ۲۸۴ ق به یمن - برای بار دوم - شایع و رایج شده است. از آن زمان تاکنون، وی مؤسس نخستین دولت زیدی در یمن شد و در ایام حکومت او، در پاره‌ای مناطق یمن، ایده انتساب به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) شکل گرفت و به عنوان پیش شرط برای هرکسی که در خود شایستگی حکومت را می‌دید، مطرح شد.

دوم، این که امام زید نه فقط نسبت به بزرگان صحابه اهانت روانی داشت، بلکه خلافت شیخین را پذیرفته بود و از کسانی که به آنان اهانت می‌کردند دوری می‌جست و همین رفتارش سبب شد تا غالب سپاهیان از او رویگردان شوند و در جنگ با ارتش هشام بن عبدالملک فقط ۲۱۸ تن با او ماندند.

عوامل ظهور

عوامل ظهور جنبش حوثی را می‌توان به عوامل درونی و عوامل خارجی تقسیم کرد. با این حال باید اذعان کرد که نمی‌توان این دو دسته عوامل را کاملاً از هم تفکیک کرد، زیرا نوعی تداخل میان این دو دسته عوامل وجود دارد که در همین مقاله آشکار خواهد شد.

عامل نخست عامل داخلی و ریشه‌های سیاسی تشیع است. فرقه زیدی یکی از فرقه‌های



اشاره:

حدود ۲۰ درصد جمعیت یمن را زیدیان تشکیل می‌دهند. زیدیان که شیعیان پنج امامی‌اند، در تاریخ یمن از قرن سوم نقش مهمی ایفا کرده‌اند. شیعیان جعفری و اسماعیلی نیز دو دسته اصلی از شیعیان یمن را تشکیل می‌دهند. این گروه‌ها در گذشته اختلافات و درگیری‌های گسترده‌ای داشتند و گاه علیه یکدیگر دست به اقدام نظامی می‌زدند.

بعد از کشته شدن حسین الحوثی (یکی از رهبران سرشناس شیعیان یمن که در زمان حیاتش تلاش گسترده‌ای برای نزدیکی طوایف شیعه یمن انجام داده بود) در جنگ با دولت یمن در سال ۲۰۰۴ و تحویل‌ندادن جسد وی به خانواده‌اش، شیعیان تصمیم گرفتند با یکدیگر متحد شوند و جبهه واحدی را بر ضد حکومت یمن، که به گفته آنان حقوق شیعیان را به رسمیت نمی‌شناسد و میان آنها و اهل تسنن یمن تبعیض قائل می‌شود، تشکیل دهند.

آنها نام واحدی را که برگرفته از نام رهبر خود بود، برای خود انتخاب کردند (مبارزان حوثی) و از آن زمان حکومت خودمختار خود را تشکیل داده‌اند که این امر موجب بروز شش جنگ میان آنها و حکومت‌های مرکزی یمن شده است.

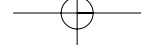
در سال ۲۰۰۹ این درگیری بالا گرفت و موجب بروز ششمین جنگ میان طرفین شد که دامنه آن به خاک عربستان سعودی هم رسید و باعث شد تا ارتش عربستان به مواضع این گروه حمله کند.

با درج مقاله حاضر، درصدد هستیم ضمن بررسی تاریخچه حوثی‌ها وریشه درگیری‌های کنونی یمن، خوانندگان گرامی نشریه بعثت را بهتر با تحولات جاری آشنا کنیم.

تبارشناسی حوثی‌ها

جنبش حوثی، نخستین بار در سال ۱۹۹۰ به عنوان جنبش یا سازمانی فکری - سیاسی و مسلح ابراز وجود کرد. تا پیش از این، فعالیت اولیه این جنبش، محدود به ارائه آموزش‌های دینی به جوانان و تربیت و کادرسازی می‌شد، طبعاً فعالیت‌های این جنبش مطابق مذهب زیدی بود که مذهب اکثریت مردم یمن است.

سازمان جوانان مؤمن (الشباب المؤمن) دو مرحله را پشت سر گذاشت. مرحله تاسیس و شکل گیری که از سال ۱۹۹۰ و کمی پس از اعلام وحدت دو یمن در برخی از مناطق استان صعهه - در شمال پایتخت (صنعاء) - آغاز شد. مراکز حوثی‌ها کعبه آمال بسیاری از جوانان شد که از نقاط مختلف و استان‌های مشهور به گرایش زیدی هادوی به صعهه می‌رفتند. رفته رفته دامنه فعالیت حوثی‌ها از استان صعهه به استان‌ها و شهرستان‌های دیگری کشید که گرایش زیدی‌شان قوی بود. تا این که شمار دانشجویان این مرکز در استان صعهه به



یادداشت

خطر و تباه کننده مذاهب شمرد.

اما از عوامل خارجی که به ظهور پدیده حوثی تا این حد کمک کرده است عبارتند از:

*** بزرگداشت روز غدیر**

شیعیان اثنی عشری هجدهم ذی الحجه هر سال را که به عیدغدیرشناخته شده است، جشن می‌گیرند. ریشه این مناسبت به حدیثی برمی‌گردد که هم شیعه و هم اهل سنت آن را اساساً صحیح می‌دانند و فقط بر سر کمی و زیادی برخی الفاظش اختلاف دارند.
نَسَایُ هم حدیث "مَن کُنت مَولاهُ فعَلی مَولاهُ" را نقل کرده است.

اما بحث بر سر این است که جشن عید غدیر در یمن از چه زمانی آغاز شده است؟ آیا این جشن، پدیده جدیدی است که حوثی‌ها در سال‌های اخیر باب کرده‌اند یا از شاعران قدیمی است که زیدی‌های یمن در گذشته آن را بزرگ می‌داشته‌اند؟ یکی از کارشناسان در این زمینه معتقد است که این شاعران در قرون گذشته با توجه به حضور زیدیه در یمن گرامی داشته می‌شد.

اما مسأله بزرگداشت عید غدیر به یکی از نشانه‌ها و شعارهای اساسی حوثی‌ها تبدیل شد و به شکلی درآمد که آنان هیچ انعطاف یا کوتاه آمدنی را در برابر آن از خود نشان ندادند و جالب توجه است که در ضمن هرگونه توافقنامه‌ای یا مذاکره‌ای با دولت، بندی را به آزادی بزرگداشت عید غدیر اختصاص می‌دهند.

*** شعارهای جدید**

داستان شعار جدید حوثی‌ها شایسته درنگ و ژرف کاوی است:
آلله اکبر، الموت لأمّریکا، الموت لاسرائیل، اللعنه علی اليهود، النصر للاسلام.

جهان اسلام

تبار این شعارها به آغاز انقلاب اسلامی ایران برمی‌گردد؛ به زمانی که امام خمینی(ره) چنین شعارهایی را در برابر شاه سر دادند و تأثیر شگرفی بر دل‌های مردم نهاد. این شعارها در ایران، هم سن و سال خود انقلاب است و هنوز هم در مساجد سر داده می‌شود و به لبنان هم به تناسب حضور پررنگ شیعیان، انتقال یافته است.

در سال ۲۰۰۲ حسین حوثی از سالن مدرسه امام الهادی(ع) در "مران" صعهه این شعارها را سر داد و در فضایی عاطفی و آمیخته با مطالبه اقدام به کاری در مقابل استکبار آمریکایی، از حاضران خواست این شعارها را تکرار کنند.

در زمانی که حسین حوثی از پیروان خود می‌خواست تا به فلسفه و برآیند و تأثیر این شعارها بیندیشند، تأکید می‌کرد که آمریکایی‌ها از طرح چنین شعارهایی خشمگین شده و اقدام به پاک کردن شعارها از در و دیوار صعهه و صنعا کرده‌اند و از سر دادن آن جلوگیری می‌کنند، زیرا با برنامه‌هایشان تناقض دارد و توطئه‌هایشان را کشف می‌کند. اگرچه سفیر آمریکا در صنعا این اقدام را چنین توجیه کرد که آمریکا نمی‌خواهد، نزاع دینی میان این کشور و جهان اسلام پدید آید. از آن زمان تاکنون، این شعارها به بخشی از مراسم اساسی حوثی‌ها در هرگونه فعالیت فرهنگی تبدیل شده است، زیرا در میانه سخنرانی‌ها، درس‌ها و گاه در پایان آنها و نماز جمعه سر داده می‌شود.

این شعارها برای حوثی‌ها شعارهای مقدس است. پس از گذشت بیش از یک ماه از درگیری میان ارتش یمن و حوثی‌ها، حسین حوثی به یکی از رادیوهای عرب‌زبان درباره عوامل و اسباب جنگ چنین گفت که این شعارها برجسته‌ترین دلیل

شعله‌ورشدن این جنگ است. وی اشاره کرد که رئیس‌جمهوری علی عبدالله صالح، حدود دو ماه پیش از شروع این جنگ به‌وی پیغام داد که این شعارها را متوقف کنند. اما وی به دلیل وعده و وعیدهایی که همراه این هشدار طرح شده، آن را نپذیرفته است.

اگر بپذیریم منطق دولت یمن که به شعاری که شکل و درون‌مایه آن متعلق به خارج یمن است و از سوی جماعت حوثی شیوع یافته حساسیت نشان می‌دهد، قابل درک است، ادله حوثی‌ها هم که بر تداوم و تکرار شعار خود اصرار می‌ورزد، قابل بحث و تأمل است. حوثی برای کار خود ادله‌ای دارد؛ از جمله این که این روش، ساده‌ترین و بی‌زیان‌ترین روش و ابزار برای رویارویی با طغیان‌گری آمریکا و صهیونیسم است.

حوثی‌ها می‌گویند: همین آزدگی آمریکا از این شعار و درخواستش از مقامات یمن برای متوقف کردن این شعار و دستگیری سردهندگان آن، دلیل تأثیر و نشانه قدرت آن است، در حالی که حرف‌های دیگران فقط مصرف داخلی دارد. اما مخالفان حوثی‌ها معتقدند که این شعارها، ایالات متحده را آزار نداده است و استناد می‌کنند به سخنان برادر حسین حوثی، یعنی یحیی که به یکی از رسانه‌های عربی گفته بود: حکومت یمن در آغاز کار، برادرش حسین را به سر دادن شعارهایی ضدآمریکایی تحریک کرد و کوشید فضای مناسبی را در این زمینه فراهم آورد، تا توجه آمریکا را به دشمنی فرضی در یمن جلب کند.

به هر روی، حوثی تأکید می‌کند که زیدی‌های یمن با هیچ‌کس سر عداوت ندارند و در طول تاریخ خود در یمن، میان مسیحیان و یهودیان زیسته‌اند، بی‌آن که کوچک‌ترین آزاری به آنان برسانند.

سید حسن نصرالله:

ما جنگ را نمی‌خواهیم ولی به آن مشتاقیم

افزود: ما در لبنان به کمک مقاومت و ارتش مردم خود قادر به حمایت از کشور خود بدون کمک دیگری هستیم.

وی افزود: تهدیدهای اسرائیل جنگ روانی برای افزایش معنویت اسرائیلی‌ها و ضد مردم ، دولت و مقاومت در لبنان است.

وی با اشاره به این که بعید است اسرائیل در آینده نزدیک به جنگ اقدام کند ،خطاب به اسرائیلی‌ها افزود: اگر ساختمان‌های ضاحیه را ویران کنید ساختمان‌های تل آویو را ویران خواهیم کرد ؟اگر فرودگاه رفیق حریری بیروت را مورد حمله قرار دهد ما نیز فرودگاه بن‌گوریون در تل آویو را مورد حمله قرار خواهیم داد؟ اگر بنادر ما را مورد حمله قرار دادید ما نیز بنادر شما را ویران خواهیم کرد ؟اگر کارخانه برق ما را ویران کردید ما نیز کارخانه‌های برق شما را ازبین خواهیم برد.

سید حسن نصرالله درباره انتقام از خون شهید مغنیه افزود: طی دو سال گذشته اهداف عادی فراوانی در دسترس ما بود که آنها را هدف قرار دهیم اما این کار را نکردیم زیرا کسی که می‌خواهیم انتقام خون او را بگیریم عماد مغنیه است. ما اهدافی را که می‌توانیم از طریق آن به صهیونیست‌ها بگوییم که پاسخ ما به ترور مغنیه چیست، می‌شناسیم و دشمن ما نگران است و بگذارد تا در نگرانی به سر ببرد.

وی با اشاره به ناتوانی اسرائیل در حمله جدید و از دست دادن اعتماد به نفس خود افزود: اسرائیل از سه وسیله تهدید ، ترور و ایجاد فتنه استفاده می‌کند.

سید نصرالله افزود: مانع اساسی در برابر آشتی فلسطینی‌ها، اسرائیل است و هر عربی که بر سر آشتی فلسطینی مانع تراشی کند به اسرائیل

ریشه‌های جنگ

جنگ ششم با حوثی‌های یمن، حاصل سیاست فرار به جلو و فرافکنی حکومت یمن است تا بر ناکارآمدی حاکمیت بیست ساله بر دو بخش شمالی و جنوبی یمن سرپوش گذارد و اعتراضات مردم فقیر و رنج دیده را با ابزار سرکوب نظامی خاموش کند.

با اینکه یمن از موقعیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای برخوردار است و منافع زیرزمینی آن در کنار اقتصاد آبراه "باب المندب" می‌تواند به حداقل‌های معیشتی مردم یمن پاسخ گوید، حکومت علی عبدالله صالح از پاسخ مناسب به مطالبات مردم این کشور ناتوان بوده و در کنار فقر، سیاست تبعیض را نیز به اجرا گذاشته است. اگر چه مقامات یمن و دولت‌های اقتدارگرای عرب منطقه در پی پاسخ انحرافی به بحران صعهه بوده‌اند و آن را به شکل غیرواقعی تصویر می‌کنند، ولی ایستادگی شیعیان شمال یمن، هر دو را رسوا و این راهبرد منطقه‌ای را برملا کرد.

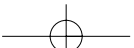
جنگ اخیر در صعهه که تاکنون به طول انجامیده و حکومت یمن از تمامی توان نظامی هوایی و زمینی و دیپلماسی منطقه‌ای بهره گرفته، حاصلی جز فرسایش و شکست برای حکومت یمن به جای نگذاشته است. ارتش منظم حکومتی و به کارگیری ابزارهای برتر هوایی، زرهی، زمینی، توپخانه و عقبه مطمئن لجستیکی و حمایت‌های پنهان و آشکار خارجی در مقابل امکانات محدود مردم شمال یمن، کارآمدی نشان نداده و به جز تلفات، اسارت نظامیان، دادن غنائم جنگی و ستمدیدگی و آوارگی و کشتار مردم عادی و بی‌دفاع در شمال یمن، کارنامه دیگری ارائه نکرده است.

خدمت کرده است.

وی در ادامه سخنان خود گفت:مشاهده می‌کنیم که اسرائیل در حال حاضر مشکلی در به راه انداختن جنگ دارد لذا به بالا بردن توانمندی و قدرت خود روی می‌آورد و آنها مشکلاتی در زمینه جذب افراد و همچنین مشکلات بی‌اعتمادی داخلی و نظایر آن دارند و به صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی می‌گویم که موضوع گنبد آهنی به یک فیلم سینمایی نزدیکتر است تا به واقعیت و برخی درحال بحث و مناقشه هستند که آیا این سپر فایده‌ای دارد؟

دبیرکل حزب الله افزود: گزینه فتنه در لبنان با مقاله روزنامه دیر اشپیگل شروع و سپس با تهدیدهای لیبرمان وزیر خارجه اسرائیل کامل تر شد که هدف آن جنگ روانی برای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم ، دولت و مقاومت لبنان در راستای جلوگیری از قدرت مقاومت و تلاش برای قانع کردن مردم است که اسرائیل قوی است. سید نصرالله افزود : باید به تهدیدهای اسرائیل به شکل متقابل و با شجاعت پاسخ داد زیرا تهدید جنگ را باید با جنگ پاسخ داد تا مانع وقوع جنگ و تاخیر آن شد چنانکه مدتی قبل شنیدیم که ایهود باراک وزیر جنگ اسرائیل سوریه را به جنگ تهدید کرد اما وزیر خارجه سوریه به آن پاسخ داد. این موجب بهت و وحشت اسرائیلی‌ها شد و طولی نکشید که مسوولان اسرائیلی شروع به توجیه تهدید خود کردند.

وی در آغاز سخنش با توصیف مشترکات رهبران شهید مقاومت گفت: ویژگی مشترک آنان تواضع و محبت و عاطفه قوی و آگاهی و احساس مسوولیت زود هنگام به اسرائیل و خطر دشمن صهیونیستی نسبت به قدس و فلسطین است.



معرفی کتاب نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی

تألیف: دکتر سید مصطفی محقق داماد

مرکز نشر علوم اسلامی

۵۹۹ ص ۱۲- هزار تومان

چاپ اول: ۱۳۸۸

اگر گفته شود که زندگی روزمره و روابط اجتماعی بشری بر التزامات "فیما بین و ایفای آن‌ها استوار است، ادعایی گزاف نیست و از طرفی تنوع و تکثر گونه‌های آن‌ها هم اجتناب‌ناپذیر است. انواع داد و ستدها، پیمان‌ها برای انجام فعل‌ها و ترک فعل‌ها، وصلت‌ها، همکاری‌ها، همزیستی‌های مسالمت‌آمیز، آشتی‌ها و حتی جدایی‌ها همه بر محور "الترام" و بر همان امر پای می‌گیرند و بدیهی است که با چنین وسعتی برای هیچ نظام تشریعی بیان حکم‌هر مورد جزئی به طور جداگانه، نه امکان دارد و نه باید چنین کند. نظریه‌پردازی و یافتن قواعد کلی و تفریع فروع و به دنبال آن بیان احکام و آثار موارد و ایجاد رابطه هماهنگ میان آن‌ها، امری است که وظیفه اصلی صاحب‌نظران و متخصصان در هر نظام تشریعی را تشکیل می‌دهد و در نظام اسلامی "تفه" و "اجتهاد" نام دارد.

نظام حقوقی مدون در مقایسه با نظام غیر مدون، وجوهی مثبت و محسناتی دارد؛ ولی نمی‌توان انکار کرد که همیشه با این خطر مواجه است که مواد قانونی و تبصره‌های مرتبط چنان حقوق‌اندان را در جنبه خود گرفتار سازند که آنان راه پس و پیش را بر خود مسدود ببینند و به جای اندیشیدن و یافتن نظریات و قواعد عمومی به حفظ مواد و قرائت پیاپی بسنده کنند.

خوشبختانه در نظام تشریع مدنی ایران، قانونی مدنی نقش مادر را ایفا می‌کند که کاملاً متخذ از تفقه و اجتهاد منفتح و غیر مسدود هزار و چهارصد ساله فقیهان امامیه و مبتنی بر قواعد و اصول کلی است و لذا انجام توسعه و تحول در این نظام تشریعی کاری است کاملاً عملی، هر چند نه آسان که بسیار ظریف و دقیق. تحولات فقه امامیه در همین صد ساله اخیر بهترین دلیل بر این مدعاست. تنظیم قانون مدنی و به دنبال آن بسیاری قوانین دیگر منطبق با حرکت ونظم نوین جهانی نزدیک صد سال قبل به دست اندیشمندانی بزرگ و سپس صدور مهر تایید از سوی مراجع تقلید وقت و بالاخره همکاری فقیهانی سترگ که نه در فقهاتشان شکی بود و نه در تقوایشان تردیدی و ورود خالصانه آنان در امر قضا برای اجرای مقررات مزبور و تمشیت زندگی روزمره مردم ایران، نشانه آن است که نظام حقوق اسلامی با قرائت شیعی، از چنان سازو کاری برخوردار است که تحول در تشریع را می‌پذیرد و انطباق با شرایط و مقتضیات زمان برایش کاملاً میسر است.

بنا به این مراتب، ناسپاسی است که ناتوانی در انجام امر تحول و تامین نیازها که یا معلول عدم اطلاع کافی و تخصص در روش اجتهادی است و یا آنکه از انگیزه‌های دیگری نشأت می‌گیرد، به گردن نظام حقوق اسلامی افکنده شود و این نظام توانمند به ناکارایی، ناتوانی و یا منقضی شدن دورانش منتسب گردد.

استاد محقق داماد که عمر خود را به بازنگری مباحثی از فقه امامیه مصروف داشته، بر این باور است که برای خدمات متقابل مکاتب فقهی و اندیشه‌ها و دکترین‌های حقوقی نظام‌های معاصر، قبل از هر چیز ضرورت دارد که مباحث فقهی با نظام‌های مزبور هم ساختار گردد تا بتواند گفت‌وگو و هم سخنی کند. فقه از این رهگذر از رکود و رخوت به در آمده، درجا نمی‌زند و به چالش واداشته می‌شود. تألیف کتاب حاضر نیز در راستای همین هدف است.

این کتاب در چهارده فصل تنظیم شده که هر یک به چند گفتار و مبحث تقسیم می‌شوند که به لحاظ اهمیت موضوع، اجمالاً معرفی می‌شوند. فصل نخست مبانی و مفاهیم: نظریه عمومی؛ اصل آزادی یا حاکمیت اراده در قراردادها؛تحلیل ماهیت حق در اندیشه فقهی (شامل این مباحث: معنای لغوی حق، تعریف حق در فقه و تفاوت آن با حکم و ملک، تحلیل و بررسی، تفاوت حق با ملک، تقسیمات حق در فقه، تقسیم حق به حق الله و حق الناس، تقسیمات حق در حقوق معاصر، احکام تکلیفی و احکام وضعی.

فصل دوم مباحث شروط: حقیقت شرط؛ شامل این مطالب: معنای لغوی شرط، معنای حدیثی شرط، کلام قاموس المحيط در معنای شرط، نقد کلام فیروزآبادی، مجاز نبودن استعمال شرط در التزامات مستقل، نتیجه‌گیری، شرط به معنای مشروط، استعمال واژه شرط به معنای حدیثی آن در قانون مدنی، معنا و خصوصیات معنای جامد شرط، استعمال واژه شرط به معنای جامد آن در قانون مدنی، تفاوت معنای حدیثی و جامد شرط.

معانی اصطلاحی شرط: شرط در اصطلاح ادبی، شرط در اصطلاح اصولی؛ نظر برگزیده نگارنده در معنای شرط؛ مقایسه شرط بانهادهای مشابه حقوقی، (مقایسه شرط با عقد و قرارداد، مقایسه شرط با تعهد و التزام)؛ تعهد به عنوان موضوع مستقیم عقد یا اثر آن، تعهدات یک طرفه (شامل این مباحث: التزام، تعریف التزام در قانون فرانسه، مفاد التزام در فقه امامیه، مفاد التزام در قانون مدنی ایران)، تعیین جایگاه نظریه التزام در قانون مدنی مصر (نزدیک کردن حق شخصی به حق عینی، بقای تقسیم، نتایج تقسیم، ارکان التزام، مکتب شخصی و مکتب مادی در التزام، نتایج عملی مکتب مادی، انتخاب تعریفی برای التزام)

فصل سوم شرایط صحت شروط: مقدور بودن شرط برای مشروط علیه (تحلیل معنای مقدور بودن شرط، تفاسیر مختلف درباره مقدور بودن شرط، نظر شیخ انصاری در این معنا، شرط غیر مقدور در عرف معاملی و کلام فقه‌ها، شرط غیر مقدور در عرف معاملی، شرط غیر مقدور در کلام فقه‌ها، ادله اعتبار این شرط، عدم خلاف، عدم قدرت بر تسلیم موضوع شرط، عدم قدرت بر تسلیم مبیع در صورت متصف بودن مبیع به شرط غیر مقدور، لزوم غرر در قرارداد مشروط به شرط غیر مقدور، معنا و مفهوم غرر، ملازمه شرط غیر مقدور با بروزغرر، اشکال مهم نقضی و پاسخ آن، اقسام شرط غیر مقدور و مصادیق آن، درج تحقق ایجاب و قبول به نحو شرط نتیجه، کلام علامه حلی در این باره و توجیه آن، مصادیقی از شرط غیر مقدور، شرط غیر مقدور در قانون مدنی ایران).

سانع بودن شرط (معنا و مفهوم این شرط، ادله اعتبار این شرط، عدم نفوذ التزام به حرام، روایت المؤمنون عند شروطهم الا شرطاً احل حراماً او حرم حلالاً، رابطه شرط "سانع بودن" با برخی دیگر از شروط صحت شرط، رابطه شرط "سانع بودن" و شرط "مقدور بودن"، رابطه شرط "سانع بودن" و شرط عدم مخالفت با کتاب و سنت، شرط نامشروع در فقه عامه، مشروع بودن شرط در قانون مدنی، اثر شرط نامشروع؛ وجود غرض عقلائی در شرط (معنا و مفهوم این شرط، ادله اعتبار این شرط، لزوم اجتناب از لغویت، عدم ترتب حقی بر مشروط‌له با اشتراط شرط غیرعقلائی، حکم صورت شک در وجود غرض عقلائی در شرط، لزوم وجود "غرض عقلائی" در شرط از دیدگاه قانون مدنی)؛ مخالفت نبودن شرط با کتاب الهی الهی و سنت؛ خلاف مقتضای عقد نبودن شرط (معنا و مفهوم این شرط، ادله اعتبار این شرط، نظر برگزیده در دلیل اعتبار این

شرط، معیار تشخیص شرط خلاف مقتضای عقد، نظریه لزوم انتفای لغوی، عرفی و یا شرعی در معیار تشخیص، نظریه لزوم انتفای آثار شرعی، شروط بحث‌انگیز، شرط عدم فروش و یا هبه مبیع توسط خریدار، شرط عدم خسارت در عقد شرکت، شرط ضمان مستأجر نسبت به عین مستأجره، شرط عدم اخراج زوجه از اقامتگاهش، شرط عدم بیع عین مرهونه، شرط خلاف مقتضای عقد در قانون مدنی)؛ منجز بودن شرط (تعریف معامله معلق و اقسام آن، احکام اعمال معلق، وضعیت حقوقی عمل معلق، تعلیق در انشاء، تعلیق در منشأ، آثار عقد معلق در صورت صحت، تعلیق در انحلال عقد یا شرط فاسخ، تعلیق در ذات عقد، عقد احتمالی، مقایسه تعلیق با اشتراط).

فصل چهارم)تقسیمات شروط: تقسیم شرط به اعتبار ارتباط با عقد (شرط مستقل یا ابتدایی، تحلیل بیشتر ماهیت شرط ابتدایی، نظر برگزیده در مورد حکم شرط ابتدایی، شرط قبل از عقد، عناوین فقهی و مصادیق شرط قبل از عقد، تنقیح محل نزاع در شرط قبل از عقد، اقوال و نظر فقه‌ها، جایگاه "شرط بنایی" در حقوق مدنی ایران)؛ شروط ضمن عقد (با این مباحث: تعریف شروط ضمن عقد، حکم "شرط ضمن عقد" در فقه امامیه، مستندات فقهی نفوذ "شرط ضمن عقد"، شرط ضمن عقد در فقه اهل سنت، دلایل فقه‌ای عامه بر عدم نفوذ شروط ضمن عقد، اقسام شرط ضمن عقد، خیار تخلف شرط، ترتیبی یا هم‌عرض بودن اجبار و حق خیار، خیار تعدر شرط، اثر تصرفات بر حق خیار، باقی بودن وضعیت مبیع، مبیع تلف شده باشد، خروج مبیع از مالکیت مشروط" علیه، مورد معامله متعلق حق غیر باشد، اقسام شرط فعل، شرط سقوط یا اسقاط خیار مجلس، شرط عدم اجاره عین مستأجره، شرط عدم عزل در وکالت، سلب حق مدنی، سلب حق عزل و التزام به عدم عزل، شرط عدم نکاح)؛ گفتار سوم، تقسیم شرط به صریح و ضمنی (شرط صریح، شرط ضمنی، شرط ضمنی بینایی، شرط ضمنی عرفی، شرط ضمنی ارتکازی، شرط ضمنی شرعی و قانونی، ادله نافذ بودن شرط ضمنی در فقه امامیه، شروط ضمنی (غیرصریح) در متون فقه‌ها، شرط ضمنی در قانون مدنی، شرط ضمنی در فقه اهل سنت، شرط ضمنی در نظام حقوقی کامن‌لا، قلمرو شرط ضمنی عرفی در قانون ایران)؛ شروط بعد از عقد.

فصل پنجم) شرط فاسد و احکام آن: احکام شرط فاسد (با این مباحث: شرط فاسد الزام‌آور نیست، اثر شرط فاسد بر عقد، نظرات فقه‌ها، ارزیابی نظر فقه‌ها، شرط فاسد و حق خیار، اسقاط شرط فاسد)؛شروط ضمن عقد فاسد (شرط اجرا نشده باشد، شرط اجرا شده باشد، نظر قانون مدنی ایران)؛ وضعیت شروط ضمن عقد منحل و یا منفسح.

فصل ششم) شروط خاص و دارای اهمیت ویژه: خیار شرط؛ ماهیت حقوقی خیار شرط؛تمایز خیار شرط از موارد مشابه (تمایز از خیار تخلف شرط، و تمایز از شرط انفساخ)؛ عناصر عمده در خیار شرط؛ مستند فقهی صحت خیار شرط و قلمرو آن (موافق قاعده بودن خیار شرط، مخالف بودن خیار شرط با قاعده، مخالفت خیار شرط با مقتضای عقد، خلاف کتاب و سنت بودن خیار شرط، حکم شرعی بودن خیار، تعلیق و غرر، مبحث سوم، بررسی وجوهی که در مخالفت شرط خیار با قاعده گفته شده، قلمرو خیار شرط (با این مباحث: عدم اختصاص خیار شرط به بیع، موارد امتناع شرط خیار به علت طبیعت عقد و اثر آن، ایقاعات، برخی عقود، قاعده کلی در شرط خیار، موارد امتناع خیار شرط به علت عارضی، ضمان، رهن، بیع صرف، معاطات، شرط خیار در اجاره به نفع موجر، شرط خیار در قراردادهای مصرف به ضرر مصرف‌کننده، عقد



صلح)؛ در بیان شرایط خیار شرط (تعیین مدت یا محدودیت زمانی، لزوم تعیین مدت خیار و مبنای آن، بررسی و تحلیل اشکالات مطرح شده، کیفیت تعیین مدت و ضمانت اجرای عدم تعیین، تعیین ابتدای مدت، صورت‌های ممکن در تعیین مدت و نهایت مدت خیار، لزوم اندراج شرط خیار در ضمن عقد)، خیار شرط برای شخص ثالث (مفهوم و ماهیت خیار شرط برای ثالث، جایگاه قبول شخص ثالث، آثار حقوقی شرط، حدود اختیار طرفین و شخص ثالث نسبت به فسخ قرارداد، اختیار طرفین نسبت به عزل شخص ثالث، حق تقدم در صورت تعدد حق خیار، خیار شرط مشروط به استیمار و مشورت ثالث)، آثار خیار شرط (آثار وجود و آثار اعمال، حق خیار شرط).

فصل هفتم، بیع شرط: ماهیت بیع شرط (معنا و مفهوم بیع شرط، رابطه رد ثمن و فسخ در بیع شرط)،تحولات قانونگذاری در زمینه بیع شرط در حقوق ایران (در قانون مدنی، در قانون ثبت، نظریه شورای نگهبان، وضعیت کنونی بیع شرط).

فصل هشتم، شرط جبران خسارت یا ضمان قراردادی.

فصل نهم، شرط جزایی یا وجه‌التزام: تعریف وجه و ماهیت حقوقی وجه التزام، کاربردها و ویژگی‌ها و مبانی فقهی و حقوقی وجه التزام، وجه التزام در منظر قانون؛ وجه التزام در حقوق تطبیقی، برخی سئوالات مطرح شده درباره وجه التزام و پاسخ آن‌ها.

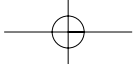
فصل دهم، شرط ضمان مستأجر نسبت به عموم خسارات وارد بر عین: وضعیت شرط به لحاظ فقهی، دلایل قول مشهور (مخالفت شرط با مقتضای عقد، مخالفت با شرع، بطلان شرط ضمان مستأجر از نظر بطلان شرط نتیجه)، اشتراط پرداخت خسارت،ضمان عین مستأجره در قانون مدنی ایران.

فصل یازدهم، شرط تعدیل قرارداد: امکان تعدیل قرارداد؛ نظریه شرط ضمنی، نظریه عدل و انصاف، نظریه شرط بعد از عقد یا شرط الحاقی، الزام‌آور بودن و سابقه تاریخی شرط بعد از عقد.

فصل دوازدهم، شرط جدایی منفعت از عین: تبعیت منفعت از عین در حالت اطلاق، تفکیک منفعت از عین (معیار تفکیک منفعت از عین، عواملی که موجب قطع رابطه تبعیت می‌شوند)،تأثیر قاعده تبعیت بر ملکیت منفعت در صورت مرتفع بودن یا از بین رفتن عامل جداکننده (تبعیت قهری منفعت از عین، تبعیت ارادی منفعت از عین، نظریه پیشنهادی)، مسائل کاربردی مطرح شده در کتب فقهی.

فصل سیزدهم، وضعیت حقوقی تصرفات من علیه الخیار: حکم تکلیفی تصرفات ناقل مانع از استرداد مورد معامله توسط من علیه الخیار (نظریه مطلق جواز، حق فسخ متعلق به عقد است یا متعلق به عین؟، نظریه عدم جواز)؛ حکم وضعی تصرفات ناقل (فرض عدم جواز تصرف فرض جواز)،بررسی امکان اجبار به فسخ (عدم امکان اجبار، امکان اجبار)، زمان انفساخ بیع دوم (با دو مبحث انفساخ از اصل و انفساخ از زمان فسخ)، وضعیت حقوقی انتقال منافع در زمان خیار توسط غیر ذوالخیار (حکم تکلیفی و وضعیت حقوقی اجاره و فسخ).

فصل چهاردهم، شرط به نفع شخص ثالث: اصل نسبی بودن قراردادها، تحلیل حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق جدید، بررسی برخی از موارد تعهد به نفع شخص ثالث در فقه امامیه، بررسی تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق مدنی، نتیجه‌گیری نهایی درخصوص تعهد به نفع شخص ثالث.پایان بخش این کتاب، فهرست مفصل منابع و مأخذ به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی است.



گزارشی از فعالیت های کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی

محل نگهداری نسخ خطی با خطر مواجه است.

عرب زاده یاد آور شد: برخی از نسخه های خطی مورد هجوم موریان و دیگر آفت ها قرار گرفته و اعتبارات مالی موجود پاسخ گوی رفع این مشکلات نیست.

وی اضافه کرد: برای رفع این خطرات، نیازمند تخصیص بودجه لازم و توجه مسئولین فرهنگی و حوزه هستیم.

وی اضافه کرد: در سیستم برق رسانی کتابخانه نقایص زیادی وجود دارد به طوری که سیم کشی ها ضعیف و غیر مقاوم است و با اصول ایمنی مغایرت دارد و همین امر احتمال وقوع آتش سوزی را تشدید می کند، لذا ضرورت دارد مسئولین ترتیبی اتخاذ نمایند تا آثار ارزشمند فرهنگی و نسخ خطی این کتابخانه در معرض نابودی قرار نگیرند.

مدیر کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی یادآور شد: این کتابخانه با توجه به امکانات موجود، مقررات حفظ آثار مکتوب و نفایس را تا حد ممکن رعایت نموده است.

وی در پایان بیان داشت: چنین کتابخانه ای نیازمند سیستم کاملی است که درجه حرارت، رطوبت نسبی و تصفیه هوا را به صورت اتوماتیک تنظیم کند.

صورت امانی در خارج از کتابخانه استفاده کند.

عرب زاده افزود: فضای مخازن کتابخانه، گنجایش بیش از ۳۵۰ هزار جلد کتاب را دارد و سالن مطالعه کتابخانه با دارا بودن میزهای مطالعه دوفره با احتساب بخش اساتید، محققین و قسمت مفروش به طور همزمان روزانه پذیرای ۶۰۰ نفر از طلاب و محققان حوزه است.

وی خاطر نشان کرد: در راستای بهره گیری از فناوری های نوین با استفاده از روش و طبقه بندی، طرحی نو در نظام کتابداری با همکاری محققان امور رایانه و بر اساس اصل سهولت عمل کتابداری و اهداف مولف کتاب، برنامه نویسی شده تا کاربران از طریق جستجوهای مختلف بتوانند صحیح و سریع به منابع اطلاعاتی دست یابند.

مدیر کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی با اظهار نارضایتی از شرایط نگهداری نسخ خطی در این کتابخانه، گفت: شرایط نگهداری نسخ خطی به هیچ وجه مناسب نیست، گونه ای که بعضی از کتاب ها آفت زده شده اند و نیاز فوری به مرمت دارند.

وی افزود: کتابخانه فاقد دستگاه اطفای حریق، آزمایشگاه، آفت زدایی، میکروب کشی، مرمت و ... می باشد و

خطی هیچ یک از ملل جهان به اندازه نسخه های خطی متعلق به کشورهای اسلامی نیست، اضافه کرد: اوراق قرآن مجید به خط کوفی بدون نقطه و اعراب از قرن دوم هجری و نسخه های بسیار کهن از کتاب های حدیثی شیعه چون "تهذیب الاحکام" شیخ طوسی با کتابت سال ۵۷۵ هجری قمری، "تهج البلاغه" با کتابت اوایل قرن ششم هجری، "صحیفه سجادیه" خط شهید اول و نسخه های دیگری در موضوعات طب، تاریخ، اختر شناسی، تفاسیر، کتب فقهی، ریاضی، واجازات به خطوط مجتهدان و دیگر علوم در این کتابخانه موجود است.

وی افزود: با بهره گیری از ابزارهای جدید الکترونیکی و دیجیتال موفقی به عکسبرداری ۶۰ درصد کتب چاپ سنگی و حدود ۳ هزار نسخ خطی را تصویر برداری کرده ایم که در قالب CD , DVD نگهداری می شوند و در صورت درخواست محققان پرنیت گرفته و در اختیار آنان قرار داده می شود.

مدیر کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی به بخش امانی این کتابخانه اشاره و گفت: امانت واحد امانی کتابخانه از کتب تکراری و اهدایی تشکیل گردیده و افراد با دریافت کارت عضویت می تواند کتاب را به

الله مجید در ابعاد ۱۱x۲۲ میلیمتر در این کتابخانه موجود می باشد.

وی با اشاره به جمع آوری روزنامه ها و مجلات مفید در این کتابخانه و برای استفاده محققین، خاطرنشان کرد: کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی ۴۶۷ عنوان روزنامه و نیز ۴۰۰ عنوان مجله را فهرست نویسی کرده که قدیمی ترین آنها نشریه "صور اسرافیل" است.

مدیر کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی به بخش مخطوطات این کتابخانه اشاره و با بیان اینکه به لحاظ نامناسب بودن مکان نگهداری، مخطوطات و اسناد تاریخی در حال از بین رفتن است، بیان داشت: واحد مخطوطات و اسناد تاریخی از نظر قدمت کتابت، وسعت دانش و تنوع موضوعات کم نظیر است و می تواند به مجامع علمی و پژوهشی خدمات ارزشمندی ارایه نماید.

وی عنوان کرد: در گنجینه این کتابخانه، نوشته ها و آثار نبوغ علمی و هنری هزار و چهار صد ساله اسلام و اندیشمندان ایران اسلامی به زبان های عربی، فارسی، ترکی، اردو، عبری، کردی و گویش های مختلف وجود دارد که نشان دهنده تمدن، فرهنگ و تلاش علمی مسلمانان است.

عرب زاده با بیان اینکه نسخه های

کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی قم که با زیربنای ۲ هزار و یکصد متر در مدرسه ای با همین نام واقع شده است، در موضوعات معارف، قرآن، فقه، حدیث، اسلام شناسی و ... به اهل علم و دانش خدماتی را ارایه می نماید ...

در عرصه احیاء و نشر آثار اهل بیت (ع) و کمک به فضلالی حوزه و دیگر مراکز علمی جهان گام برمی دارد.

مدیر کتابخانه عمومی حضرت آیت الله گلپایگانی در گفت و گو با مرکز خبر حوزه، به تشریح فعالیت های این کتابخانه پرداخت و با اشاره به بخش های عمومی، امانی، جراید، نشریات، مخطوطات، دروس حوزوی و کتب مرجع، گفت: این کتابخانه در حال حاضر بیش از ۱۵۰ هزار جلد کتاب دارد که شامل ۹۰ هزار جلد کتب چاپی و سنگی و ۱۱ هزار نسخه خطی به زبان های مختلف و گویش های محلی و ... می باشد.

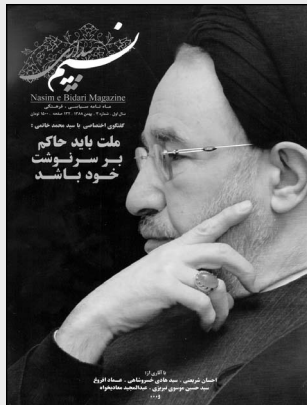
آقای ابوالفضل عرب زاده افزود: در بخش عمومی بیش از یکصد هزار عنوان کتاب فهرست نگاری شده و در بخش مخطوطات نفایس و کتب چاپ سنگی کهن و کم نظیری وجود دارد که از جمله می توان به کتاب "القانون فی الطب" ابن سینا اشاره کرد و همچنین کوچکترین کتابت و کلام

شماره سوم «نسیم بیداری» منتشر شد

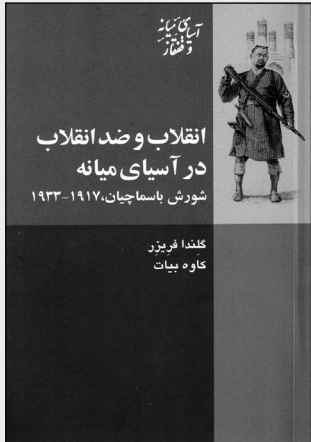
سومین شماره ماهنامه سیاسی، فرهنگی نسیم بیداری به صاحب امتیازی و مدیریت مسئولی سید محمد مهدی طباطبایی منتشر شد.

در تازه ترین شماره نسیم بیداری این نوشته ها، مقالات و گفت و گو ها را می خوانید: منجی عراق؛ آماج اهانت، مرزهای مرجعیت...، مطهری؛ نامی که آشناست، گفت و گوی اختصاصی با سید محمد خاتمی، انقلاب، نقطه عطف روشن فکری (حسین سخنور)، احساس شریعتی: ضد انقلاب انقلابی نما فرزندان انقلاب را می خورند، ناکام در ایجاد تحول ساختاری

(عماد افروغ)، روحانیت شهید انقلاب (محمد حسین زائری)، سید حسین موسوی تبریزی: امروز عده ای بقای خود را در حذف دیگران می دانند (محمد حسین زائری)، سید هادی خسروشاهی: حرکت امام در ابتدا اصلاح طلبانه بود، بررسی روند شکل گیری انقلاب در گفت و گو با سخنگوی جامعه روحانیت مبارز (مهدی احمدی)، عبدالمجید معادیخواه: بعد از انقلاب طغیان کردیم، محسن غرویان: همه کارها در دست روحانیت نیست، آیت... یوسف صانعی: امام مرید پرور نبود، محمد تقی فاضل مبینی: برای جایگاه حوزه نگرانم، مروی بر سه دهه فراز و نشیب احزاب در جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی و اندیشمندان معاصر: انقلابی برای گسست در تاریخ، گفت و گو با سید صادق حقیقت (انقلاب اسلامی؛ چالش سنت و تجدد)، گفت و گو با محمد علی حسینی زاده: انقلاب اسلامی، مولود اسلام سیاسی بود، گفت و گو با محسن مهاجرنیا: حق دینی ولایت فقیه، بر مبنای رضایت مردم شکل می گیرد، گفت و گو با عبدالوهاب فراتی: انقلاب اسلامی، تعامل میان سنت و تجدد، حسین سلیمی از تأثیرات انقلاب بر علوم انسانی می گوید، گفت و گو با مسعود آذربایجانی درباره انقلاب اسلامی و وحدت حوزه و دانشگاه، روح بزرگوار یک شهر (مریم زهدی)، سیاست تمرکززدایی فعالیت های هنرهای تجسمی از پایتخت، بیست و هشتمین جشنواره فیلم فجر در پایان راه، گلدن گلوب در آغاز دهه دوم هزاره سوم، بهمن در قاب دی، در راسته کتاب فروشان، مرثیه ای برای اقتصاد، علم اقتصاد، فرار از باتلاق بروکراسی، سقوط ۲۹ پله ای، مزیت های راهبردی بهبود محیط کسب و کار. فضای کسب و کار در گفت و گو با احمد میدری و ...



آسیای میانه و قفقاز / معرفی دو اثر از کاوه بیات



های نخستین مسلمانان این منطقه برای کسب استقلال و خودمختاری، سرکوب این تلاش ها توسط روسیه بلشویکی و بالاخره نهضت مقاومت دیرپایی که به شکل باسماچیگری بر ضد روسیه آغاز گردید، توصیف شده است.

آقای کاوه بیات در مقدمه ترجمه این کتاب ضمن اظهار تأسف از ناآشنایی ما نسبت به این حوزه به رغم ادعایی که بر مشترکات تاریخی و پیوندهای دیرینه! داریم به اهمیت کتاب که تألیف «گلندا فریزر» است، اشارتی دارد...

ضمن آرزوی توفیق روزافزون بر جناب کاوه بیات، به خوانندگان "بعثت" توصیه می کنیم که هر دو کتاب را مطالعه نمایند.

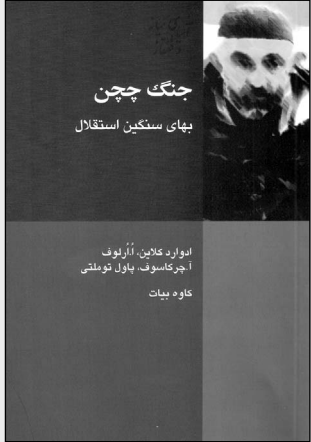
ناشر: پردیس دانش با همکاری کتاب شیرازه

تاریخی و فرهنگی حدود شمالغرب جهان ایرانی را تشکیل می دهد، بر خود دانست که با گردآوری مطالبی چند در این موضوع، لاقال گوشه هایی از تحولات اخیر چیچستان را به آگاهی هموطنان خود برساند، هم جوانبی از یک مقاومت شگرف و اساسی را در این حوزه خاطرنشان سازد که از قدمتی چند صد ساله برخوردار است و هم از پلیدی هایی سخن گوید که در حال حاضر چه به صورت یک خشونت و بی رحمی سازمان یافته از سوی روس ها و چه به شکل روی دیگر این سکه، یعنی سیاست های تروریستی گروه های بنیادگرا، بر کل این ماجرا سایه افکنده است.

۲- کتاب انقلاب و ضد انقلاب در آسیای میانه شورش باسماچیان

... پس از فروپاشی امپراطوری روسیه تزاری و به دنبال انقلاب ۱۹۱۷ میلادی و اعاده همان امپراطوری با یک رنگ و روی جدید - اتحاد جماهیر شوروی - ! بسیاری از ملل این حوزه مجموعه تلاش هایی را برای استقلال و رهایی از قید استعمار جدید آغاز کردند که حرکت معروف به "نهضت باسماچیان" که بیش از ده سال ادامه یافت، نمونه ای از این حرکت های استقلال طلبانه است.

این کتاب با مروری کوتاه بر چگونگی استیلای روسیه بر آسیای میانه آغاز می شود و در کنار توضیح تحولات ناشی از بازتاب انقلاب بلشویکی تلاش



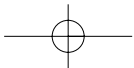
از مجموعه قفقاز و آسیای میانه دو کتاب جدید به همت و ترجمه محقق معاصر جناب کاوه بیات انتشار یافت.

۱- کتاب "جنگ چیچن، بهای سنگین استقلال"

در این کتاب سرگذشت مردم مسلمان چیچن از بدو پیشروی روسیه تزاری به سمت قفقاز در اواخر قرن هیجدهم و مبارزه مستمر چیچنی ها برای رهایی از این سلطه با تأکید بر فراز و نشیب های این حرکت در دو دهه اخیر، موضوع اصلی این کتاب است...

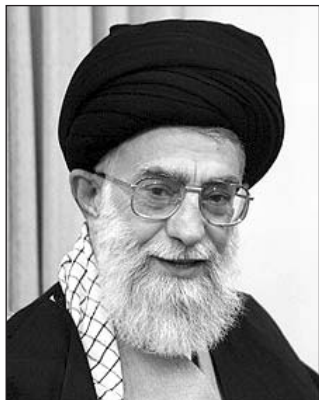
آقای بیات در مقدمه کتاب می نویسد:

«... نگارنده که پیشتر نیز مقاله ای را در این زمینه منتشر کرده است با احساس تأسف از بی توجهی ایرانیان به سرنوشت این سرزمین که به هر حال از لحاظ



پیام قدردانی رهبر انقلاب اسلامی از حضور شگفتی آفرین ملت:

آیا حضور ده ها میلیونی مردم کافی نیست تا فریب خوردگان به خود آیند؟



دعای حضرت بقیةالله ارواحنا فداه
پشتیبان آنان باد.

سید علی خامنه‌ای

انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از «مردم» می‌زنند، به خود آورد و راه و خواست مردم را که همان صراط مستقیم اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله و راه امام بزرگوار است، به آنان نشان دهد؟

دوستان و دشمنان ملت ایران بدانند که این ملت راه خود را شناخته و تصمیم خود را گرفته است و برای رسیدن به قله پیشرفت و سعادت با تکیه بر خدا و اعتماد به قدرتی که خداوند به او بخشیده است هر مانعی را از سر راه بر خواهد داشت.

کمک و توفیق الهی یار این ملت و

و سپاس از ژرفای دل و جان، آفریننده هستی را که دست قدرت خود را در عزم و ایمان و بصیرت شما نمایان ساخت و در سی و یکمین سالروز تولد جمهوری اسلامی، نیرومندی و سرزندگی این نظام را که بر ایمان و اعتماد به نفس ملتی کهن تکیه زده است، بیش از همیشه به رخ دشمنان کشید.

آیا سی و یک سال آزمون و خطای چند دولت متکبر و زورگو کافی نیست که آنان را از خواب غفلت بیدار کند و بیهودگی تلاش برای سیطره بر ایران اسلامی را به آنان تفهیم نماید؟

آیا حضور دهها میلیون انسان بصیر و پرانگیزه در جشن سی و یکسالگی

کردند. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
ملت عظیم الشان و شگفتی آفرین ایران
خسته مباد گامهای استوارتان؛
سربلند باد پرچم همت و آزادگیتان. درود خدا بر عزم راسخ و بصیرت بی‌همتایتان، که همیشه در لحظه نیاز، صحنه‌ی رویارویی با بددلان و بدخواهان را عرصه‌ی پیروزی حق میسازد و نمایشگاهی از عزت و عظمت می‌آراید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور پیامی ضمن قدردانی از ملت ایران به مناسبت حضور شگفتی آفرین در راهپیمایی ۲۲ بهمن، تأکید کردند: آیا حضور ده‌ها میلیون انسان بصیر و پرانگیزه در جشن سی و یک سالگی انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از «مردم» می‌زنند، به خود آورد. به گزارش خبرگزاری فارس، رهبر انقلاب در پیامی از حضور شگفتی آفرین ملت در راهپیمایی ۲۲ بهمن قدردانی

انتشار شماره جدید مجله قرآنی «رایحه»

ویژه بزرگداشت حضرت آیت الله مکارم شیرازی

جدیدترین شماره مجله قرآنی «رایحه» نشریه قرآنی خبرگزاری قرآنی ایران، ویژه بزرگداشت شخصیت علمی خادم القرآن حضرت آیت الله مکارم شیرازی مؤلف گرانقدر تفسیر نمونه اختصاص یافته است.

در بخش اول این ویژه‌نامه علاوه بر درج زندگینامه حضرت آیت الله مکارم شیرازی، حیات علمی و سیاسی این مرجع بزرگ تقلید تبیین شده است و پس از آن بسیاری از صاحب‌نظران علوم قرآنی درخصوص تفسیر نمونه و دیگر تألیفات قرآنی، فقهی و علمی ایشان به بحث و نظر پرداخته‌اند.

ویژگی بارز آیت الله مکارم شیرازی پرداختن به مسائل مستحدثه است عنوان مقاله استاد دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی است که نویسنده در آن به طور مبسوط به تبیین برخی از آراء فقهی و اصولی و روش اجتهاد حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی پرداخته است.

از دیگر مقالات ارزشمند این ویژه‌نامه، توجه به ریشه‌های قرآنی کلمات، امتیاز ویژه شرح نهج البلاغه آیت الله مکارم از حجت الاسلام سعید داودی، آیت الله مکارم شیرازی در استنباط مسائل فقهی واقع گراست از حجت الاسلام مردانی پور و استفاده از روش گروهی - حوزوی راز موفقیت آیت الله مکارم شیرازی در نگارش تفسیر کامل قرآن از حجت الاسلام بنایی نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی را می‌توان ذکر کرد.

آیت الله مکارم شیرازی از جمله مجتهدان جامع الشرایط است که علاوه بر اینکه در کسوت عظیم الشان مرجعیت تقلید شیعه قرار دارند و محل رجوع دینی میلیون‌ها انسان مؤمن و مؤمنه ایرانی و غیرایرانی است، در طول عمر بابرکت خود، خدمات بسیار ارزنده‌ای به قرآن و اسلام داشته است.

همانگونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه قم نسبت به مهجور قرار گرفتن قرآن در درس حوزوی هشدار داده و نسبت به رفع آن توصیه‌هایی داشتند، بی‌شک آیت الله مکارم شیرازی را باید از جمله مراجع و علمای بزرگی دانست که نقش مؤثری در مهجوریت زدایی از قرآن طی سال‌های عمر بابرکت خود برداشته‌اند. از این مرجع تقلید تاکنون حدود ۱۳۰ جلد کتاب به چاپ رسیده که بعضی از آنها بیش از ۳۰ بار تجدید چاپ شده و بعضی به بیش از ده زبان زنده دنیا ترجمه شده و در کشورهای مختلف انتشار یافته است.

تفسیر نمونه این مرجع تقلید وارسته به چند زبان ترجمه شده و در اغلب خانه‌ها موجود است؛ این تفسیر و تفسیر موضوعی پیام قرآن باب تازه‌ای در تفسیر قرآن گشوده و کتب اعتقادی ایشان به هنگام هجوم مکاتب باطله، پناهگاهی برای طلاب و دانشجویان بوده و هست.

از جمله کتب فقهی این مرجع تقلید انوار الفقاهه، والقواعد الفقیه و انوار الاصول و تعلیقات مستدل و مشروحه بر تمام عروه‌الوثقی است که مکرر به چاپ رسیده است. رساله عملیه ایشان (توضیح المسائل) تاکنون بارها چاپ شده و این رساله به زبان عربی، اردو، ترکی آذری و انگلیسی نیز ترجمه و منتشر شده است.

معلم له در سن ۲۴ سالگی به اخذ اجازه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شد و حضرت آیت الله حکیم تقریظ کوتاه و پرمحتوایی بر تقریرات ایشان از درس فقه ابواب طهارت نوشت که بسیار ممتاز است.

در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین درس حوزه علمیه شیعه است و قریب به دوهزار نفر از طلاب و فضلاء عالقدر از محضر ایشان استفاده می‌کنند.

آیت الله مکارم شیرازی همچنین در مبارزات انقلاب اسلامی و همراهی امام راحل (ره) حضور فعال داشت و به همین دلیل چندبار به زندان طاغوت افتاد. معظم له طی سی سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، چه در ایام حیات حضرت امام (ره) و چه بعد از ایشان همواره یار و پشتیبان ولایت فقیه بوده است و در عرصه سیاسی اجتماعی کشور نیز حضوری پررنگ و فعال داشته است.

این ویژه‌نامه مجله رایحه در ۱۷۲ صفحه، با صاحب امتیازی خبرگزاری قرآنی ایران و با مدیریت مسئولی رحیم خاکی و سردبیری مرتضی رضایی زاده انتشار یافته است.

رئیس مجلس شورای اسلامی:

بودجه کشور باید از درآمدهای نفتی جدا شود

شهر قم مهیا تر شود. لاریجانی گفت: شهر قم به دلیل وجود حرم مطهر حضرت معصومه (س)، هم حضور مرجع تقلید و همه مومنین باعث شده همه نگاه‌ها به سمت این شهر باشد و از ویژگی و مرجعیت برای مردم برخوردار است.

وی افزود: رسیدگی به شهر قم جنبه منطقه‌ای این ندارد بلکه جنبه ملی دارد و نگاه‌ها از جهت فرهنگی و اقتصادی نباید در چارچوب منطقه‌ای باشد.

رئیس مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: باید در شهر قم به مشخصاتی که در تفکر اسلامی به عنوان یک شهر دینی و اسلامی تبیین شده، برسیم که تلاش‌ها نیز بر همین امر صورت می‌گیرد.

وی با اشاره به اینکه از لحاظ اقدامات اجرایی شاهد نقص‌هایی در این استان بودیم، افزود: در این راستا تلاش‌هایی صورت گرفته که در سطح ملی برخی مشکلات رفع شده یا در حال رفع شدن است.

را در مدیران ایجاد کنیم. لاریجانی با اشاره به پروژه سنگین حرم تا جمکران استان قم گفت: این پروژه برای مردمی که در مسیر بودند معضل به وجود آورده است و به دلیل مشکل تملک اراضی، طرح پیشرفت نداشت و به اندازه‌ای سنگین بود که با بودجه‌هایی که اجرای آن هر سال برای شهرداری‌ها در نظر می‌گیرند، امکان پذیر نبود.

وی اضافه کرد: طول مسیر طرح حرم تا جمکران بسیار زیاد بود و تقریباً اکثر قسمت‌ها بازندگی متعارف مردم درگیر بود و این طرح گره‌هایی برای شهرداری به وجود آورده بود که به نظر نمی‌آمد با بودجه‌های قطره‌چکانی، اجرای آن به این سادگی‌ها امکان‌پذیر باشد.

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه خوشحالم که این طرح سرمایه‌وسعی که لازم داشت را با فروش اوراق مشارکت تامین کرد، افزود: شهرداری‌ها باید خود را متصل به بودجه‌های دولتی نکنند و روی پای خود بایستند.

نماینده قم در مجلس شورای اسلامی گفت: مجموعه پروژه‌هایی که در استان قم در حال اجراست می‌تواند تا حد زیادی وضع را به سامان نزدیک کند. وی با بیان اینکه مونوریل و مترو هم بر آینده قم که یکی از کلانشهرها است تأثیرگذار است، گفت: اجرای این پروژه‌ها ظرف زمانی لازم دارند اما از هم اکنون باید به فکر فراهم کردن منابع مال آن‌ها باشیم.

وی افزود: از تحرکی که در شهر قم در مسیر آبادانی آن به وجود آمده تشکر می‌کنم و معتقدم این شهر که از نظر ملی به آن نگاه می‌کنند احتیاج به همکاری همه مسوولان دارد.

وی اضافه کرد: استان قم یک حرکت شتابان را شروع کرده و باید از هر گونه بحث‌های حاشیه‌ای پرهیز شود و هر روز زمینه‌ها برای آبادانی

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: بودجه کشور باید از درآمدهای نفتی جدا شود و چنین کاری برای آینده کشور بسیار ضروری است. به گزارش ایرنا، «علی لاریجانی» در مراسم افتتاح ۸۸ پروژه عمرانی، خدماتی و ترافیکی شهرداری قم افزود: بودجه جاری کشور همچنان متکی به درآمدهای نفتی است و باید تدبیری بیاندیشیم که بودجه دولت منفک از درآمدهای نفتی شود.

نماینده قم در مجلس شورای اسلامی افزود: در ظاهر لایحه بودجه سال ۸۹ متکی به درآمدهای نفتی نیست ولی زمانی که باطن بودجه را می‌شکافیم، می‌بینیم که این لایحه نیز وابسته به درآمدهای نفتی است.

به گفته وی ساز و کارهای اجرایی کشور در بخش‌های مختلف باید به نحوی باشد که به روند جداسازی بودجه دولت از درآمدهای نفتی کمک کند.

رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: اگر این روند در کشور شکل بگیرد در رسیدن به سیاست کلی اصل ۴۴ قانون اساسی کمک بسیاری خواهد کرد. وی با بیان اینکه پروژه‌های عمرانی نباید متکی به زمینه‌های دولتی باشد، افزود: در لایحه بودجه سال آینده یک صد و ده هزار میلیارد تومان برای بودجه عمرانی دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی در نظر گرفته شده است.

لاریجانی افزود: اکنون که در فصل رسیدگی به لایحه بودجه هستیم نامه‌های بسیاری از بخش‌های دولتی و غیردولتی به مجلس می‌رسد که بودجه ما در لایحه کم است و همه دیدگاه‌ها این است که از منابع دولتی استفاده کنند.

وی با بیان اینکه اراده‌ها قوی است و همت‌ها برای آبادانی کشور بلند است، گفت: سرمایه‌گذاری‌ها باید به سمت مردمی شدن پیش رود و این‌ها باور

بعث

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی

دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سردبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیة) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

لیتوگرافی: سپهر اسکنر چاپ: سپهر

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com